

تبیین اکتشافی از کارکردپذیری وقف در شهرهای دوره اسلامی* مطالعه موردی: شهر ایرانی در قرون نخستین و میانی

محسن عسکری^۱، حسن احمدی^۲ * (نویسنده مسئول)، ناصر براتی^۳

^۱ گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۲ استادیار شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
^۳ دانشیار شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین الملل امام خمینی، قزوین، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۳

چکیده

سُنَّتِ حَسَنَةِ دینی وقف و نحوه ارتباط آن با شهر، با وجود کارکردهای مختلف آن در شهرهای دوره اسلامی، تا کنون مورد توجه جدی اندیشه‌مندان داخلی قرار نگرفته است. هدف این پژوهش؛ ارائه یک مدل تبیینی از چرایی، چگونگی شکل‌گیری و عملکرد وقف در شهر گذشته ایرانی در قرون نخستین و میانی تاریخ ایران تا دوره صفویه است. در این پژوهش، دستیابی به یک مدل مفهومی و نظری مطلوب برای تبیین هم‌پیوندی وقف و شهر، شناسایی نیروها، جریان‌ها و الگوهای عمده اوقاف و نیز کارکردها و ابعاد متفاوت وقف مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این مطالعه، از یک مدل نظری چهار لایه‌ای استقرایی مبتنی بر رویکرد پژوهش آمیخته و روش اکتشافی استفاده شده است. راهبرد پژوهش تاریخی و تکنیک تحلیل محتوا جهت‌دهنده مسیر پژوهش بوده‌اند. نتایج نشان می‌دهد، نهاد وقف در بستری تاریخی شکل گرفته و متأثر از مجموعه عوامل مختلف دینی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی بوده است. در الگوی تبیینی معرفی شده، ابتدا ماهیت دوگانه وابسته و مستقل وقف شناسایی شده و سپس مدل تبیین بر سه لایه کلان، میانی و خرد مطابق چارچوب نظری پژوهش استوار شده است. در مدل تبیین پژوهش نیز از مفروضات «نظریه نسبیت عام اینشتین» و «هم‌چنین آراء و عقاید» پیر بردیو استفاده شده است. در این میان، ماهیت وابسته وقف متأثر از سه جریان عمده «مولفه‌های دینی - فرهنگی شهرهای دوره اسلامی»، «عوامل محرک» و «تحولات درون‌زا» بوده است. ماهیت مستقل وقف نیز مبتنی بر وجود میدانی از نیروهای مختلف است که یک «مدار گرانشی وقف» را تشکیل داده است. بیش‌ترین تأکید اوقاف در قرون یاد شده، بر ساخت مساجد بود و املاک و روستاها نیز گروه غالب موقوفه‌ها هستند. ابعاد وقف ناظر به سه بُعد «دینی - مذهبی»، «اقتصادی» و «کالبدی» است که کارکردهای «دینی و مذهبی» بارزترین کارکرد وقف در شهر گذشته ایرانی بوده است. از بُعد درونی، «کارکردهای هم‌گرا بخش»؛ بیش‌ترین تأثیر را برای هم‌افزایی نیروهای متأثر شکل‌دهنده وقف داشته است. هم‌چنین وقف برای حکومت «کارکردهای سیاسی»، و برای شهر و حوزه نفوذ آن «کارکرد پایداری» داشته است. بدین ترتیب ابعاد جدیدتری از این نهاد قدرتمند دینی شناسایی و جایگاه آن در لایه‌های تاریخ کهن شهر ایرانی - اسلامی، تدقیق و خلاء موجود پر شده است.

واژگان کلیدی: وقف، شهر ایرانی، تبیین اکتشافی، کارکردپذیری.

مقدمه و بیان مسأله

کشور و تمدن ایران یکی از ارکان برجسته در تمدن زین اسلامی در قرون نخستین و میانی هجری قمری بوده است. اگرچه شهرهای گوناگون و ملل مختلف این تمدن اسلامی هر کدام دارای خاستگاه‌های تاریخی، قومی و فرهنگی متفاوتی از یکدیگر بوده، اما هم‌زمان از عناصر موقوم دینی و فرهنگی غیر همانند و نیز مشترکی هم‌چون وقف برخوردار بوده‌اند. در قرون میانی اسلام، بسیاری از خدمات عمومی توسط نهادهای اجتماعی همانند وقف^۱ شکل می‌گرفتند (Yıldırım, 2011:23) و وقف برای قرن‌ها به عنوان بخشی اساسی از تاریخ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهان عرب و اسلام قلمداد می‌شد (Ghazaleh, 2011:1). در این میان، عمده‌ترین تأثیر وقف بر ساختار جامعه شهری بوده است (Lev, 2005:68)؛ به طوری که سهم عمده‌ای از اماکن مذهبی و دینی و عام‌المنفعه در ملل مختلف اسلامی همانند ایران، ترکیه دوران عثمانی، مصر، سوریه، تونس و الجزایر با پشتیبانی این نهاد شکل گرفته است (اهلرز، ۱۳۷۴: ۵۱) (شهابی، ۱۳۸۳: ۱۴۰) (Lev, 2005:74) (Kuran, 2001:849). وقف، یکی از سنت‌های خیریه^۲ برخاسته از نظام باورهای دینی در ادیان یکتاپرست است (Lev, 2009:258) که با حضور رسول اکرم (ص) و پیدایش دین اسلام، رشد و توسعه پیدا کرد. قبل از آن، مصادیقی از تکریم به پرستشگاه‌ها و تقدس‌ت‌های اعراب به شکل اهدای مالیات‌هایی به عنوان «اکرب» برای تقرب به خدایان، نذرنیشته‌ها و مدیریت اوقاف پرستشگاه‌ها (علی، ۱۳۷۳: ۱۰۳-۴۱۸) (سالم، ۱۳۸۳: ۷۹-۲۴۶)، اقدامات خیرخواهانه‌ای هم‌چون حفر چاه (مونس، ۱۳۹۵: ۱۶۶-۱۶۸) و نیز تعمیر و عمارت کعبه مقدس (ابن هشام، ۱۳۷۷: ۱۷۳-۱۷۶) وجود داشته که با ورود دین اسلام، اهداف و جهت‌گیری آن تغییر می‌کند. تأکید دین اسلام در این زمینه به سه شکل در قرآن کریم (ابازی، ۱۳۸۷: ۴۰-۴۶) (Cizacka, 1998:48)، در میان احادیث (Bearman et al., 2002:59) و نیز در کتاب نهج الفصاحه (رحمت کاشانی، ۱۳۸۶: ۴۰-۵۱) قابل ملاحظه است. نخستین اقدامات در شبه جزیره عرب به نوعی با تخصیص دادن و اهدای اموال «امت مسلمین» به خودشان تحت عنوان مفاهیمی هم‌چون «صدقه»^۳ و «حبس»^۴ بوده است. این اقدام، در ادامه ماهیت کنشی اولیه خود در صدر اسلام از «اموال عمومی به عامه مردم» به صورت «اموال خاصه به عامه مردم» تغییر شکل داد (Gil, 1998: 128). اموال اختصاصی مخربق^۵ به عنوان اموال بخشیده شده به پیامبر، و تقسیم متقابل آن از سوی ایشان بین مسلمانان از اولین نمونه‌ها در شکل دوم آن است (Ibid: 136). به اقتضای این شرایط است که در صدر اسلام از وقف به عنوان «صدقه جاریه» نیز یاد شده است (باقی، ۱۳۸۱: ۲۲۳). بررسی کنشگران نخستین و سیر تکوین تاریخی وقف در جهان اسلام؛ نشانگر حضور لایه‌های سیاسی و قدرت از جمله خلفای راشدین، حکمرانان مسلمان و وزیران آنها،

در کنار ارکان دینی و فرهنگی جامعه است (Gil, 1998: 128-129); Arjomand, 1998:112; Leeuwen, 1999:117; Lev, 2005:156 (Lev, 2009:249). مروری بر متون موجود با رویکرد انتقادی و تاریخی در شهرهای مختلف جوامع اسلامی نیز حکایت از اهمیت آن و راه‌گشایی‌های اساسی به‌دست آمده از راهبرد پژوهش‌های تاریخی دارد (Leeuwen, 1999:197) (Kuran, 2001:841) (Shatzmiller, 2001: 51-53) (Isin, 2011: 209). با وجود این ضرورت و سابقه تحقیقاتی نسبتاً جدید در این زمینه، عمده مطالعات داخلی جهت‌گیری چندان مناسبی نسبت به آن نداشته‌اند (ن.ک. عسکری و بغدادی، ۱۳۹۴: ۴۰). تا این لحظه نیز هیچ‌گونه مطالعه نظام‌مندی در خصوص تبیین جایگاه و سیر تکوین کارکردهای وقف در کل عرصه تاریخ، جامعه، فرهنگ و شهر ایرانی دیده نمی‌شود (عسکری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸). نمود این اشکال اساسی در رویکرد غالب مطالعات داخلی در بررسی تاریخ‌مند وقف در شهر گذشته ایرانی، انعکاس خود را در «نگرش‌های تاریخچه‌ای» و نیز «ارائه و معرفی مصادیق وقف و یا دسته‌بندی از آن» نشان می‌دهد (ن.ک. شهابی، ۱۳۴۳: ۱۶-۸۰؛ سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، ۱۳۶۴: ۸-۱۰ و ن.ک. طباطبائی، ۱۳۹۳: ۱۱۳-۱۲۰). دیگر متون اخیر با رویکرد تحلیلی-تاریخی ناظر بر ارتباط متقابل نهاد وقف و توسعه شهرهای دوره اسلامی نیز، شهر ایرانی را در بازه زمانی بعد از دوران صفویه و قاجار مورد مطالعه قرار داده‌اند (ن.ک. شاه حسینی، ۱۳۹۰: ۲۷-۱۶۳ و ن.ک. امین پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۶). هم‌چنین چارچوب‌های فکری قوی در این زمینه با رویکردهای استقرایی از قبل وجود نداشته و در چنین شرایطی، اهمیت این خلأ را می‌توان در عدم امکان زایش آراء و اندیشه‌های بومی در حوزه وقف متصور شد. به علاوه، هم‌پیوندی رابطه شهر و وقف با یکدیگر و وجود شواهدی مبنی بر شکل‌گیری اثرات متقابل و چند لایه عناصر مکمل دیگر همانند رابطه مناطق پیرامونی و روستاها با شهرها و اثرات شبکه‌ای آن بر وقف (Watson, 2010: 295,301) در قرون نخستین و میانی تاریخ ایران نیز نادیده گرفته شده است. به همین دلیل برای جبران این کمبودها، پژوهش‌های تبیینی و تاریخی ناظر بر اکتشاف چرایی و چگونگی فرآیند هم‌پیوندی وقف و شهر در تاریخ شهرهای دوره اسلامی و از جمله برای تمدن کهن ایرانی الزامی به نظر می‌رسد.

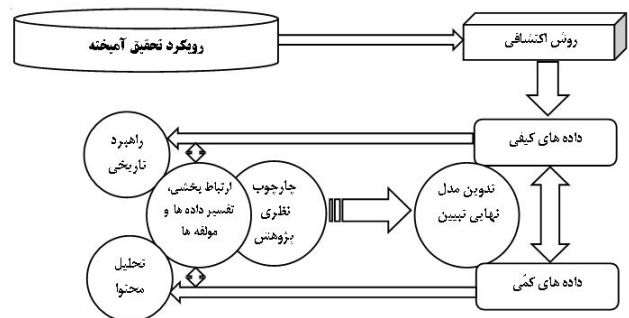
پوشش‌های پژوهش

- چگونه می‌توان به یک مدل مفهومی و نظری مطلوب برای تبیین هم‌پیوندی وقف و شهر ایرانی اسلامی در قرون نخستین و میانی دست یافت و الزامات و مختصات آن کدامند؟
- حضور وقف در شهر گذشته ایرانی از چه مجموعه نیروها، جریان‌ها و الگوهای عمده‌ای تبعیت داشته است؟

- کارکردهای وقف در شهر گذشته ایرانی- اسلامی تا قرن دهم هجری قمری کدامند و این کارکردها ناظر بر چه ویژگی‌هایی از وقف بوده‌اند؟

روش تحقیق

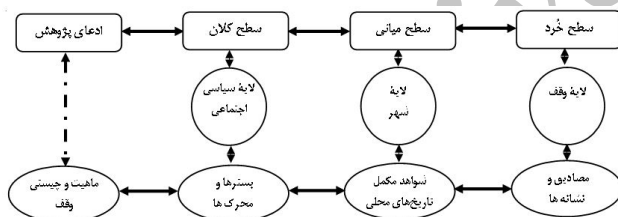
برای تبیین پدیده وقف، با توجه به داده‌های شناسایی شده؛ از «رویکرد پژوهش آمیخته» و از داده‌های کیفی و کمی به صورت توأمان استفاده شده است. در «روش آمیخته اکتشافی»^۱ ضمن استفاده از داده‌های مرکب با الگویی غیر هم‌زمان، داده‌های کیفی از اولویت برخوردار هستند (Creswell, 2014:16) و یافته‌های کیفی با تحلیل کمی پیوند زده می‌شوند (Edmonds & Kennedy, 2017:201). پیامد تحلیل کیفی، دستاوردی ابزاری یا تفسیری است که در مرحله کمی این دستاورد، محک زده می‌شود. استفاده از این رویکرد، زمانی مطلوب است که یک دستگاه فکری پیشینی و یا انطباق یافته در خصوص موضوع پژوهش وجود نداشته باشد (Creswell, 2015:64). برای گام‌های کیفی و کمی تحقیق به ترتیب از راهبرد تحقیق تاریخی و تکنیک تحلیل محتوا استفاده شده است. راهبرد پژوهش تاریخی، شامل فرآیند اکتشاف اتفاقات رخ داده در گذشته (Berg, 2004:211) با مفهومی فراتر از جمع‌آوری صرف مدارک و داده‌ها است (Neuman, 2014:501). تحلیل محتوا نیز ابزار استنتاج مفهومی از متون و گسترش دهنده فهم محقق از موضوع است (Krippendorff, 2004:18). از خروجی به دست آمده نیز همراه با چارچوب نظری پژوهش در ایده تبیین نهایی و تفسیر آن استفاده شده است. هم‌چنین بنابر ماهیت موضوعی و دامنه زمانی مطالعه، در مرحله کیفی رویکرد، از منابع ثانویه تحلیلی- تاریخی شهرهای دوره اسلامی و در مرحله کمی از داده‌های مکمل و متفاوت از مرحله کیفی همانند اسناد و منابع دست اول هم‌چون تاریخ‌های محلی شهری و ۱۰۰ مورد از موقوفات ثبت شده در ایران شامل یازده دوره تاریخی از سلسله‌های محلی از ابتدای ورود دین اسلام به ایران تا دوره صفویه و با رویکرد استقرایی استفاده شده است.



نمودار شماره ۱: فرآیند و روش شناسی پژوهش

چارچوب نظری

در این پژوهش، برای عبور از رویکردهای غالب توصیفی و پراکنده موجود از یک «مدل چهار سطحی» استقرایی برای فهم متقابل و تبیین پیوندهای وقف و شهر در شهر ایرانی دوره متقدم و میانی اسلام استفاده شده است. در بخش اول مدل، ادعای اصلی پژوهش در قالب ماهیت و چیستی وقف معرفی می‌شود. این ماهیت، چرایی پیدایش، طرز شکل‌گیری و نیز منطبق رشد پدیده را بیان می‌کند. در ادامه، مطابق ابزارهای روش تحقیق تاریخی برای تکمیل ادعای اصلی و ارائه دلایل، شواهد و مصادیق ناظر بر ماهیت معرفی شده، از سه بخش دیگر مدل در سه سطح کلان، میانی و خرد استفاده می‌گردد. در این سطوح متأخر، به ترتیب ساختارهای بسترساز و محرک ساز، شواهد تاریخی و مصادیق شناسایی می‌شوند. این لایه‌های سه گانه، ناظر بر سه بُعد شرایط کلان سیاسی، فرهنگی و دینی، «لایه شهر» و تاریخ‌های محلی ناظر بر آن و نیز «لایه وقف» در جامعه ایرانی در بازه زمانی یاد شده است. بدین ترتیب، هر چهار سطح به شکلی درونی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و پدیده مورد نظر را با هم و به شکلی یکپارچه تبیین می‌کنند. تشریح این مدل تبیین پیوسته نیز ناظر بر «علل»، «دلایل» و «معانی» حاکم بر پدیده مورد نظر است (ن.ک. مردیها، ۱۳۹۵: ۸۸). در این چارچوب فکری از «نگرش‌های مکانیکی و نقطه‌ای» به موضوع وقف صرف نظر شده و در عوض از یک «نگرش منظومه‌ای» برای تبیین «نهاد وقف» استفاده شده است.



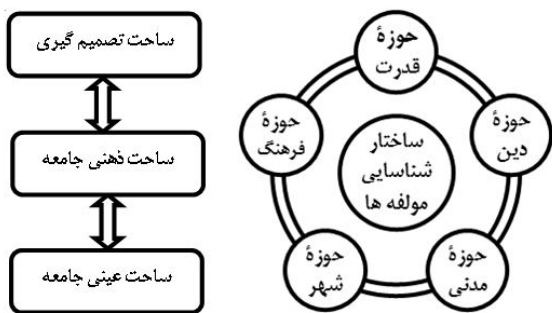
نمودار شماره ۲: چارچوب نظری پژوهش

یافته‌های تحقیق

ایده تبیین

ایده اصلی تبیین در این پژوهش، بر ماهیت دوگانه وقف استوار است. ماهیت وجودی آن شکلی وابسته داشته و ماهیت کارکردی آن به صورت سازوکاری مستقل عمل می‌کرده است. ماهیت نخستین وقف مبتنی بر مجموعه دو عامل «تحولات درون‌زا» و «عوامل محرک» برگرفته از «بسترها» بوده است. در ماهیت دوم؛ وقف در یک «مدار گرانشی» متشکل از عناصر مختلف اما یکپارچه و سلسله‌مراتبی شکل گرفته است. مولفه‌های دینی فرهنگی شهر گذشته ایرانی- اسلامی و به تبع آن، «جریان‌ها و نیروهای دینی و مذهبی» و تحولات ناظر بر آن، سبب شکل‌گیری «عامل‌های گوناگون» این مدار بوده‌اند. این عامل‌ها، پس از

در قرون نخستین و میانی است. این شالوده و بستر یکپارچه، در خود، مؤلفه‌های تاریخی و بنیادینی داشته که در ابعاد دینی و فرهنگی می‌تواند با پدیده وقف ارتباط برقرار کند. بدین منظور در گام کیفی پژوهش، این مؤلفه‌های کالبدی و غیر کالبدی، استخراج شدند (نمودار شماره ۶). این مؤلفه‌ها، عناصر محرکه فرهنگ و تمدن ایران بعد از ورود دین اسلام به ایران بوده‌اند. در این میان، ارتباط تمدن ایران و اعراب بر اساس سه دوره «تساهل»، «تقابل» و «تداوم» شکل می‌گیرد. وحدت و همسازی دو نظام فرهنگی ایرانی و اسلامی با یکدیگر و ایجاد نظامی جدید از آن (سنایی، ۱۳۸۹: ۱۰۷) نیز عمیقاً برخاسته از کنش و واکنش دو سویه «دین-فرهنگ اعراب» با «دین-فرهنگ ایرانیان» بوده است. «حوزه قدرت» به عنوان حوزه آغازین و محرک جامعه، «حوزه دین»، «حوزه فرهنگ»، «حوزه مدنی و عمومی» و «حوزه شهر»، پنج ساحت عمده سازنده این مؤلفه‌ها بوده‌اند. مطابق ایده تبیین پژوهش، «بسترهای مکان-زمان» بر هر دو ماهیت وابسته و مستقل وقف اثرگذار بوده‌اند.

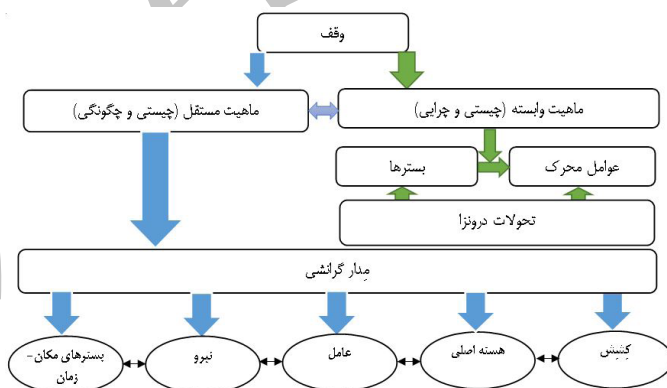


نمودار شماره ۵: ساحت‌های پنج‌گانه غالب شکل‌دهنده بسترهای تاریخی «مکان-زمان» شهر ایرانی

عوامل محرک (محرک‌های توسعه وقف)

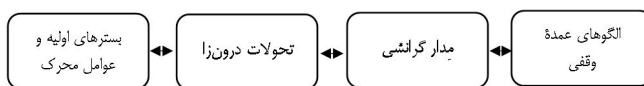
منظور از عوامل محرک در سطح میانی، مجموعه عواملی در جامعه هستند که به نوعی «پیش زمینه» برای تجلی وقف بوده‌اند. طبق بررسی صورت گرفته و تحلیل محتوای متون موجود، حداقل شش دسته از این «محرک‌ها» در این زمینه شناسایی شدند: الف- الگوهای ارزشی حامل بر وقف (قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص)، امامان شیعی و سنی و فقها)، ب- فرهنگ صدقه و رایج بودن آن به ویژه بین پادشاهان و وزیران، ج- فرهنگ اهدای مال به زبردست، د- فرهنگ عیاری در قیل از اسلام و دوره اسلامی در بین اعراب و ایرانی‌ها، ه- تأکیدات مرتبط در اندرزنامه‌ها و وصایای اخلاقی مبنی بر دادگری و نیکوکاری، و- صرف مال برای توسعه ابنیه عام المنفعه از جمله مدرسه‌سازی، پرداخت کمک هزینه و انجام اقدام‌های خیریه. جدول شماره ۱ شواهدی تعیین‌گر از شش عامل «محرک‌های توسعه وقف» را نشان می‌دهد.

تبدیل شدن به «هسته‌های اصلی کالبدی و غیر کالبدی» سبب کشش هسته‌ها به عنصر نهایی وقف شده‌اند. در این مدل، یک «جریان گرانشی» بین تمام ارکان وجود داشته و تنها محدود به کشش هسته‌های اصلی مدار به وقف نبوده است. این «سازوکار گرانشی» را می‌توان با الگوی «مدل‌های جاذبه پسانوتون»^۱ تبیین کرد. بر خلاف مدل‌های جاذبه و محدود به روابط مستقیم و یا معکوس بین یک یا چند عامل (Constantin, 2004: 116)؛ در الگوی گرانشی یکپارچه، مجموعه عوامل و عناصر در حالتی پیوسته و متصل به یکدیگر قرار دارند که منطبق بر الزامات پیوستگی عناصر و قواعد پیوسته «فضا-زمان»^{۱۱} در الگوی «نظریه نسبیت عام اینشتین»^{۱۲} است (Schlick, 2005: 67) (Fock, 1959:1) (Straumann, 2017: 160). به عبارت دیگر در این مدل تبیین، شکل‌گیری مصادیق و نمونه‌های وقفی تنها وابسته به دو عنصر متأخر نبوده و زنجیره‌ای از جریان‌ها، نیروها، عامل‌ها و هسته‌ها با یکدیگر در این زمینه فعال هستند. به عنوان مثال کشش خانقاه به وقف، تنها ناشی از حضور خود خانقاه نیست که بتوان صرفاً بازتولید آن، مجدداً این کشش را احیا نمود.



نمودار شماره ۳: ایده و الگوی پیشنهادی تبیین‌گر پژوهش

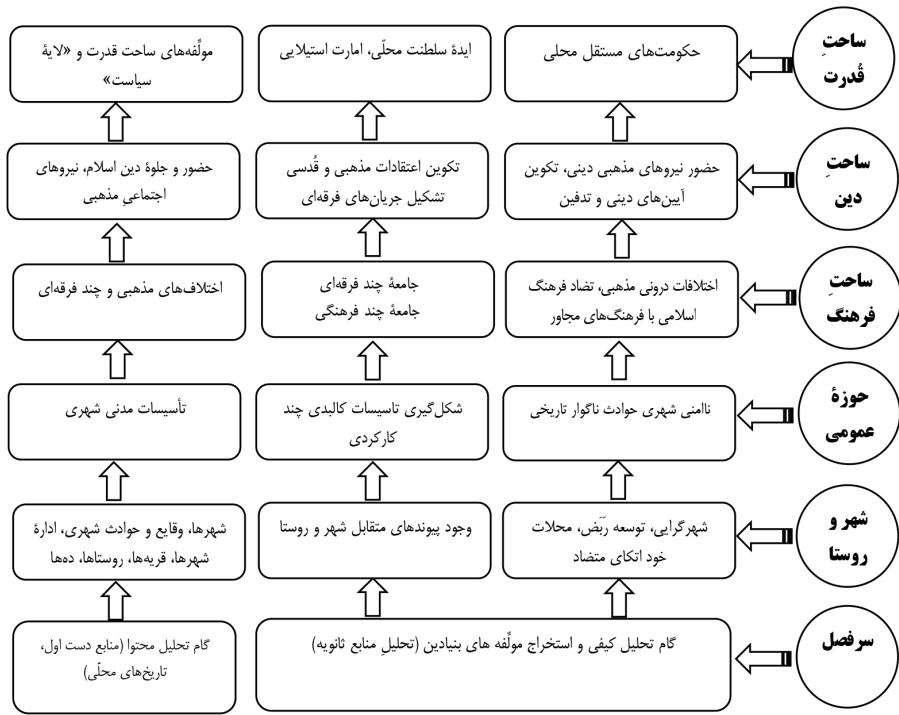
یافته‌های پژوهش، نیز در چهار بخش عمده تقسیم شده است. این بخش‌ها، شامل «بسترهای اولیه و عوامل محرک»، «تحولات درون‌زا»، «مدار گرانشی» و بررسی «مصادیق و الگوهای عمده وقفی» هستند. هر یک از این چهار بخش به صورت سلسله مراتبی، مکمل حضور یکدیگر برای نقش آفرینی «نهاد تاریخی وقف» در شهر گذشته ایرانی-اسلامی بوده‌اند.



نمودار شماره ۴: الگوی بیان یافته‌های پژوهش

بسترهای اولیه

معنای به کار گرفته شده برای «بسترها» در این پژوهش، مبتنی بر شرایط و مختصات «مکانی و زمانی» حاکم بر شهر ایرانی اسلامی



نمودار شماره ۶: مؤلفه‌های تاریخی بنیادین حوزه دینی- فرهنگی و کالبدی شهر و تمدن ایرانی اسلامی در قرون نخستین و میانی

جدول شماره ۱: شواهد تعیین‌گر «محرک‌های توسعه وقف» در شهر ایرانی اسلامی در قرون نخستین و قرون میانی

ردیف	نام محرک	بخش کیفی پژوهش	منابع
	قبل از اسلام (عرب)	<p>* وجود اداره اوقاف پرستشگاه‌ها، وجود اوقاف گسترده، پرستشگاه المقه، اهدای مالیات‌هایی به عنوان «اکرب» (جهت تقرب به خدایان) نامگذاری ارمغان اهدایی بر پرستشگاه‌ها با عنوان «کبودت»، شواهد نذرنشسته‌ها، لزوم احداث ساختمان همگانی همانند پرستشگاه‌ها، شواهد قربانی کردن برای الهه‌ها.</p> <p>* وجود ارزش «عیاری» و «دلیری» در بین عرب، خوش رفتاری و التزام اخلاقی، سلوک اخلاقی با یازرگانان اعراب، ارزش مندی «بخشش» و «کرم» از مظاهر «سیادت» و «سروری» اعراب همانند «حاتم طایی»، «کعب بن مامه ایادی»، «هرم بن سنان»، ارزش مندی «حفر چاه» توسط اشخاصی همانند «هاشم بن عید مناف» و «حفر چاه بدر»، انفاق به حاجیان کعبه توسط «عبدالمطلب»، جمع‌آوری مالی بدون شبهه توسط اعراب قریش جهت تعمیر و عمارت کعبه.</p>	<p>(علی، ۱۳۷۳: ۱۰۳-۴۱۸)</p> <p>(سالم، ۱۳۸۳: ۷۹-۲۴۶)</p>
	حاصل بر وقف	<p>قرآن کریم:</p> <p>* تأکیدات در شبکه معنایی هشت گانه «انفاق»، «سبیل‌الله»، «حسنة»، «صدقه»، «ایثار»، «باقیات صالحات»، «بخشش»، «خیر و بر» در سوره‌های قرآن کریم همانند «بقره»، «توبه»، «انعام»، «حشر»، «مریم»، «آل عمران».</p>	<p>(قرآن کریم)</p> <p>(سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، ۱۳۶۴: ۴۶، ۴۴، ۱۸، ۱۳۸۰)</p> <p>(چمران، ۱۳۸۰: ۱۸، ۴۴، ۴۶)</p> <p>(بشیر، ۱۳۹۳: ۶۲-۷۰)</p> <p>(نیازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹-۲۲)</p>
	بعد از اسلام	<p>پیامبر اکرم (ص):</p> <p>* تأکیدات نوزده گانه ایشان در «نهج الفصاحه» در معانی ارزشی همانند «پرهیز از آزمندی»، «اطعام کردن»، «انفاق»، «ایمان»، «بخشش و بخشودن»، «توانگری»، «خوبی کردن (المعروف)»، «خیر و دارایی»، «زکات»، «حفر چاه در زمین»، «زهد»، «سخاوت»، «صدقه»، «قناعت»، «کار و عمل صالح»، «نیکی و البر» و «توجه به یتیمان» و «یقین»، «وقف اراضی (مخریق)» و «وقف مزارع (بساتین سبعة) و «حیطان السبعة».</p>	<p>(رحمت کاشانی، ۱۳۸۶: ۴۰-۵۱)</p> <p>(دُرّجی، ۱۳۹۰: ۳۹)</p> <p>(نیازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۴)</p>
		<p>صحابه، امامان شیعی و سنی و فقها:</p> <p>* وقف «باغ» برای خدا و رسول خدا، «وقف در راه رسول خدا» همانند واگذاری اموال (مخریق) یهودی، مال و باغ برای رسول خدا و فقیران توسط صحابه همانند «عبدالله بن زید»، «عباس بن عبدالمطلب»</p> <p>* تأکیدات ارزشی امام اول شیعیان در «نهج البلاغه» هم چون تبدیل دنیا به آخرت، برقراری نوعی معامله با خداوند، اطمینان از بازگشت سرمایه انفاقی، ره توشه آخرت، وقف توسط امام اول شیعیان همانند ده‌هایی همانند «یتیم» و مزارعی همانند «بعیغه» برای مساکین و «ابن سبیل» و نیازمندان و باغ وقفی «صبا».</p>	<p>(دُرّجی، ۱۳۹۰: ۴۵)</p> <p>(نواب لاهیجانی، ۱۳۷۹: ۱۰۴۸-۱۰۴۹)</p> <p>(سلیمی فر، ۱۳۷۰: ۶۸، ۶۷)</p> <p>(محدثی، ۱۳۹۲: ۱۸-۴۸)</p> <p>(سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، ۱۳۶۴: ۶)</p> <p>(اشکوری، ۱۳۷۳: ۸۱)</p> <p>(بشیر، ۱۳۹۳: ۲۱۶-۲۲۰)</p> <p>(نیازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۵)</p> <p>(حاجی آبادی، ۱۳۹۲: ۷۸، ۸۳)</p>

ردیف	نام مُحرِّک	بخش کیفی پژوهش	منابع
۲	فرهنگ صدقه	* مبالغه توانگران در صدقه و خیرات در دوره عباسیان در جهان اسلام، * صدقه دو سوم از اظفارانه «خلیفه: قادر» در دو مسجد بزرگ بغداد، * اعطای صدقه توسط «یعقوب» و «امیر خلف» صفاری، * اعطای صدقه به نیازمندان توسط «عضدالدوله» آل بویه، * صرف صدقه ۱۰۰۰ دینار توسط «آلپ ارسلان» سلجوقی، * صدقه دو میلیون دیناری توسط «محمد بن ملک شاه سلجوقی» بین مساکین و فقراء از خزانه شخصی اش، * اهدای ۷۰۰ هزار دینار طلا به عنوان هدایا و صدقات توسط «سلطان سنجر» و «سلطان ملک شاه» سلجوقی، * پرداخت هدایا به گدایان و حمایت وی از فقرا و صوفیان توسط «خواجه نظام الملک».	(زرین کوب، ۱۳۸۳: ۴۴۹) (متر-الف، ۱۳۶۲: به نقل از المنتظم) (ترکمنی آذر و صالح، ۱۳۷۸: ۵۰، ۸۹) (ایمانی فرویگر، ۱۳۸۹: ۳۷۶) (لمتون، ۱۳۷۲: ۳۳۱) (بویل، ۱۳۸۹: ۲۰۴، ۳۷۸، ۳۹۰، ۳۹۱) (یوسفی فر، ۱۳۹۰: ۶۹، ۱۱۹)
۳	فرهنگ اهدای مال و بخشش پول	* تقسیم لباس و غذا و پول میان فقرا و مُستمندان توسط «فخر الملک ابوغالب» وزیر آل بویه، * پول خرج کردن در راه مسکینان توسط «عضدالدوله»، * گشاده دستی وزیر «صمصام الدوله» در دادن مقرری، صلهاها و کمک خرجی، * بخشش ۱۰۰ هزار دینار سرخ و ۲ هزار جامه برای مشایخ و روحانیان توسط «اگتای مغول»، * بخشش صد هزار دینار به ساکنان اصفهان توسط «شاهرخ» بعد از حمله به اسکندر.	(ایمانی فرویگر، ۱۳۸۹: ۵۰، ۱۵۵-۱۵۶) (ایمانی فرویگر، ۱۳۸۹: ۳۷۶) (کرمر، ۱۳۷۵: ۲۷۱) (بیانی، ۱۳۷۰: ۱۳۳) (فراهانی منفرد، ۱۳۸۱: ۶۶)
۴	فرهنگ عیاری	* کردار عیاری «یعقوب»، حضور «مطوعه» یا «غازیان»، * فرهنگ خیرات و میرات «یعقوب» صفاری، * سخاوت مندی «امیر خلف» صفاری، * صفات دینی منتسب به فرمانروایان سامانی همانند «غازی بزرگ»، * رسیدگی و بخشش پول و غذا در دوره آل بویه.	(ترکمنی آذر و صالح، ۱۳۷۸: ۱۰-۱۳) (سیستانی، ۱۳۸۳: ۵۸) (ترکمنی آذر و صالح، ۱۳۷۸: ۵۰، ۸۹) (فروزانی، ۱۳۸۵: ۷۴) (فرای، ۱۳۸۹: ۱۹۸) (ایمانی فرویگر، ۱۳۸۹: ۵۰، ۱۵۵)
۵	اندرزنامه‌ها و وصایای اخلاقی	* وصایای اخلاقی در اندرزنامه سیاسی «التوسل الی الترسل» در قرن ششم هجری قمری	(محمودی، ۱۳۹۳: ۱۴۹، ۱۶۹).

ادامه جدول شماره ۱: شواهد تعیین گر، «مُحرِّک‌های توسعه وقف» در شهر گذشته ایرانی اسلامی

ردیف	نام مُحرِّک	شواهد تعیین گر	
		نام دوره	بخش کمی و کیفی پژوهش (لایه شهر)
۶	صرف مال در قالب یک ارزش و سرمایه‌گذاری جهت توسعه ابنیه عام المنفعه	قرن نهم هجری تا دوره تیموریان	برپایی ۱۰ ده، مسجد و منار توسط «ارسلان خاتون»، برپایی مدرسه و گنبدی در «سرریگ» توسط «کیاء شجاع الدین»، احداث دو قنات توسط دو کنیز «ارسلان خاتون» به نام خودشان «ابر» و «مبارکه»، احداث مدرسه دو مناره و ساختن قبه‌ای عالی توسط «علاءالدوله گرشاسب»، عمارت قدمگاه امام هشتم شیعیان توسط «سلطان قطب الدین»، احداث ساباط در مزار، سقابه توسط «امیر معین الدین اشرف»، احداث مدرسه‌ای عالی مشهور به مدرسه «دو منار» توسط «علاءالدوله سمنانی»، ساخت مدرسه و گنبدخانه توسط «آتابک عزالدین»، احداث خانقاه قریب، احداث بازار، حمامی نیکو توسط «سلطان محمد مظفر».
		قرون سوم و چهارم	خرید ضیاع‌های بسیار و خرج مال در آن به نام «شمس آباد» و ساخت کبوترخانه توسط «شمس الملک»، احداث مسجد جامع توسط «قُتیبه بن مُسلم».
		قرون هفتم و هشتم	احداث رباط در محله اصطخر توسط «شیخ بهاء الدین محمد»، احداث مدرسه و مرقد در همسایگی حضرت شاهچراغ، توسط «تاشی خاتون»، احداث خانقاه در همسایگی مسجد عتیق توسط «شیخ شهاب الدین ابوبکر بیضاوی».
		قرن چهارم	خرج کردن مال بسیار برای استحصال آب از قنات، توسط «ابی القاسم اسماعیل بن عباد»، نامگذاری آسیاب‌ها و قنات‌های شهر به نام اشخاص در حوزه مدیریت قنات‌ها.
		دوره تیموری	ساخت یک آسیاب در دوره تیمور توسط «یوسف جلیل داروغه»، تکمیل و ساخت بناهای عام المنفعه با حضور مردم و اهالی شهر، ساخت ابنیه برای اطعام فقرا توسط خاندان «عماد الدین مسعود»، ساخت یک آب انبار در محله سراریگ توسط «حاجی صدرالدین» از خاندان ایبورد.

تحولات درون‌زا

تحولات درون‌زا، مجموع وقایع، حوادث و رویدادهای درونی بوده که بُعدی عام نداشته‌اند و بنابر شرایط تاریخی، محدود به زمان-مکان مشخص در تاریخ شهر گذشته ایرانی-اسلامی هستند. مطالعات مختلف صورت گرفته به نوعی وجود این تحولات بومی را از جمله در دوره ایلخانی (عباسی، ۱۳۸۶: ۴۸) (ترابی فارسانی و بهادری، ۱۳۹۰: ۱۲۱) رصدیابی کرده‌اند. در ابتدا باید توجه داشته باشیم که مجموعه متون و منابع موجود و تحلیل‌های ثانویه هیچ کدام به طور کامل و دقیق ناظر بر «زندگی روزمره مردم» (ن.ک. بویل، ۱۳۸۹: ۳۰۷) و از جمله جایگاه وقف در زندگی آنها نیستند. به همین منظور، مجموعه عوامل اصلی درون‌زا به تفکیک هر یک از ادوار تاریخی این سلسله‌ها با در نظر گرفتن مجموع عناصر «بسترها» و «محرك‌ها» شناسایی شدند. در جهان اسلام، اهمیت راه مکه از همان دوران اولیه اسلام (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۰۳) و مقدس بودن شهر مکه قابل توجه است. موقوفات قنات «زبیده» (ن.ک. مونس، ۱۳۹۵: ۷۰۰-۷۱۲) و موقوفه کردن تعدادی شتر و الاغ توسط «علی بن عیسی» وزیر وقت خلیفه از مال خویش برای آب‌رسانی (ن.ک. متزب، ۱۳۶۲: ۱۵۳) از مصادیق وقف برای مکه مقدس است. در ایران و در دوره سامانیان، وزارت اوقاف و بنیادهای مذهبی در سطح مرکز و ایالت‌ها وجود داشت (ن.ک. راوندی، ۱۳۸۲: ۸۶۶-۸۶۷) (ن.ک. فرای، ۱۳۸۹: ۲۵). در پیوند با مولفه‌های دینی و فرهنگی شهر ایرانی-اسلامی، سامانی‌ها؛ «حنفی مذهب» بودند و مخفی شدن «شیعه‌ها» از دست آنها نمایان بود (پیشین: ۲۱۴-۲۱۸). مولفه‌های یاد شده در این خصوص می‌توانسته‌اند در برقراری رقابت‌های فرقه‌ای برای جذب یا حذف نیروها و کُنشگران مختلف دینی و مذهبی مؤثر باشند. در دوره سامانیان، عواید موقوفه‌ها، معمولاً برای نگهداری مساجد و مدارس، بیمارستان‌ها و اطعام درویشان به کار می‌رفت (فرای، ۱۳۴۸: ۲۱۷-۲۱۸) (فروزانی، ۱۳۸۵: ۱۳۶). نظر به شیعی بودن و تحولات شکل گرفته در دو دوره علوی و آل بویه، توجه به آرامگاه‌های مذهبی و بُقاع متبرکه در این دوره رشد کرد (ن.ک. نظری ارشد و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۰). در این دوره، در بیش‌تر شهرهای اسلامی، «مدارس شیعی» از جمله «مدرسه عضدی کربلا» به دستور عضد الدوله (ایمانی فر رویگر، ۱۳۸۹: ۲۶۷) تاسیس شد. از ویژگی‌های خاص این دوره نیز تساهل مذهبی و نبود نظریه دینی مُسلط (پیشین: ۱۲۳، ۳۱۷) (اروجی و کاظم‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۹) در آن عصر است. به همین جهت، رباط‌ها و خانقاه‌ها نیز با موقوفاتی کافی وجود داشتند و معمولاً هر رباط به یک «شیخ» تعلق داشت (فقیهی، ۱۳۷۸: ۷۳). در دوره آل بویه، دیوان «البر» صدقات و دیوان اوقاف وجود داشت (ایمانی فر رویگر، ۱۳۸۹: ۱۷۷). تصرف املاک وقفی «اعراب اشعری قم» که وقف ائمه و اعقاب ایشان بود، نمونه‌ای از دست‌اندازی به املاک وقفی در دوره آل بویه است (ن.ک. راوندی، ۱۳۸۲: ۱۰۰۸). در مصادیق

وقفی نیز زیارتگاه و مقابر، کتاب و کتابخانه مساجد، بیمارستان، رباط‌ها دیده می‌شوند. در دوره غزنویان، نمونه‌هایی از دست‌اندازی به اموال وقفی خاندان میکائیلی در دوره سلطان محمود غزنوی نیز گزارش شده است (پیشین: ۸۴۹). در دوره سلجوقی، نظر به دغدغه‌مندی سلاطین به تمامی امور دینی (ن.ک. بویل، ۱۳۸۹: ۴۱۶)، آنها از بنیان بزرگ شکل‌دهی بناهای عام المنفعه بودند و وزراء، حُکام سلسله‌های متوالی و زنان آنها نیز از این شیوه متابعت می‌کردند (روستا و محمودآبادی، ۱۳۹۲: ۹۲). در این دوره، حضور فرقه‌های دینی نیز قابل توجه است (بویل، ۱۳۸۹: ۲۲۹). از مهم‌ترین عوامل درون‌زا در این دوره، رونق چشم‌گیر مدارس و پشتیبانی حاکمان وقت سلجوقی از آنها (ن.ک. روحی، ۱۳۹۱: ۵۱) و نیز اقدام «نظام الملک» برای ساخت نظامیه در شهرهای بزرگ با دلایلی از جمله مخالفت با گسترش جریان فرقه اسماعیلیه و ضرورت‌های «آموزش» در آن زمان است (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵: ۶۶). اصلی‌ترین عامل درون‌زا در دوره ایلخانی، حضور آیین «شمن» یعنی دین اولیه مغولان و ویژگی‌های ناظر بر آن از یک سو، همانند نوع «خداپرستی»، توجه عمیق به «دنیای پس از مرگ» (بیانی، ۱۳۷۰: ۱، ۳۰) و قبور تشریفاتی (اشپولر، ۱۳۶۵: ۱۸۳) و نیز تداخل‌ها و هم‌پیوندی‌های آن با دین اسلام (لمتون، ۱۳۷۲: ۱۰۲) در آن دوره تاریخی است. عامل دیگر نیز، چرخش مذهب توسط ایلخان‌ها (اشپولر، ۱۳۶۵: ۱۸۵-۲۱۴) (بیانی، ۱۳۷۰: ۴۶-۱۹۷) (لمتون، ۱۳۷۲: ۳۵۰-۳۵۲) و پیروی گسترده مردمی از آن (ن.ک. بیانی، ۱۳۷۱: ۴۴۸) و تعدد ادیان و مذاهب در آن عصر است. بخشی از این تعدد و رشد ادیان وابسته به تساهل مذهبی، باورها و ریشه‌های عمیق مغولان نسبت به همه ادیان بود (بیانی، ۱۳۷۰: ۴۵) (ترابی فارسانی و بهادری، ۱۳۹۰: ۱۰۸، ۱۱۲) (حیدری باباکمال و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۳). وقف در آن دوره، به تناسب این چرخش‌ها، دچار فراز و فرود از جمله قطع پرداختی پزشکان مسیحی از محل درآمد اوقاف (اشپولر، ۱۳۶۵: ۳۲۶) و یا تأمین مقرری روحانیون از محل اوقاف در دوره «غازان خان» (بیانی، ۱۳۷۱: ۵۴۴) شد. از جمله مولفه‌های پیشینی مرتبط با حوزه وقف، توجه به معیشت قشر روحانی و مهیا بودن گزینه وقف در این زمینه (بیانی، ۱۳۷۱: ۳۷۲-۳۷۳، ۵۶۷-۵۶۸) (لمتون، ۱۳۷۲: ۱۶۲) و نیز قدرت یافتن شیوخ قدسی و املاک موقوفه خانقاه‌ها و نذورات و صدقات اهدایی به آنان از جمله «شیخ صفی‌الدین» بود (بیانی، ۱۳۷۱: ۶۶۹ و ۶۹۳-۷۰۱). موقوفات جداگانه «سادات» و شکل‌گیری دارالسیاده‌ها (پیشین: ۶۴۸، ۵۳۷) نیز در آن دوره آغاز شد. حضور قدرت‌مند زنان در آن دوره، وابسته به جایگاه آنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری و نیز برخورداری آنها از مال و املاک بود (حیدری باباکمال و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۶). از نظر اجرایی در دوره مغول، قسمت‌های مخصوصی برای پرداخت موجب و رسیدگی به امور اقطاع و اداره اوقاف وجود داشت. گسترش اوقاف در آن دوره را

طبق نظر «لمتون» می‌توان در چهار علل ناامنی و عدم امنیت، انگیزه‌های سیاسی و کسب احترام، نفع شخصی و انگیزه احسان و نیکوکاری برشمرد (لمتون، ۱۳۷۲: ۱۷۰-۱۷۱). دست‌اندازی به اموال وقفی همانند «پشکل دره» از موقوفات جامع قزوین (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴: ۴۰۰) و نیز تلافی‌جویی مذهبی با ابنیه موقوفه از جمله «ربع رشیدی» پس از قتل «خواجه رشید» (ن.ک. بیانی، ۱۳۷۱: ۴۱۳-۴۲۰، ۵۰۴-۵۰۷) از جمله ویژگی‌های عصر ایلخانی است. در این ناامنی‌ها، سیاست‌های احیای اراضی از جمله توسط غازان خان (ن.ک. لمتون، ۱۳۷۲: ۱۹۶) برای رونق وقف بسیار حائز اهمیت بود. تحولات مرتبط با حوزه وقف در دوره تیموریان نیز متأثر از شرایط درون‌زا از جمله ویژگی‌های فرهنگی آن دوره است. در تحولات این دوره، یک نهاد خاص دینی همانند مسجد، مدرسه و یا طریقت‌های تصوف به تنهایی تعیین‌کننده نبود و در عوض وجود نوعی ائتلاف‌ها، وفاداری و ارتباطات به شکل متقاطع (منز، ۱۳۹۲: ۳۴۴) نمایان بود. در این میان، احیای شریعت، توجه به علما و مُدرسان و سادات و ارائه تصویری دلخواه از خود، نزد مردم و علما توسط «تیمور» و «شاهرخ»، «سلطان حسین بایقرا» و امیران دنبال شد (پیشین: ۴۰۲-۴۰۳) (ن.ک. فراهانی منفرد، ۱۳۸۱: ۶۲، ۱۶۴-۱۶۷). به عبارت دیگر، در آن دوره، مذهب؛ قوی‌ترین انگیزه در ساخت بناهای عمومی بود و نمود آن در بناهایی همانند مساجد عمومی و خصوصی، مدرسه‌ها، خانقاه‌ها و زیارتگاه‌ها هویدا شد (ن.ک. جکسون و لاکهارت، ۱۳۸۷: ۲۶۲) (منز، ۱۳۹۲: ۲۹۶). علاوه بر این که اقدامات عام‌المنفعه، نشانگر کاردانی و حکومت‌داری نیک حاکمان تلقی می‌شد (ن.ک. پیشین: ۲۷۵-۲۷۶).

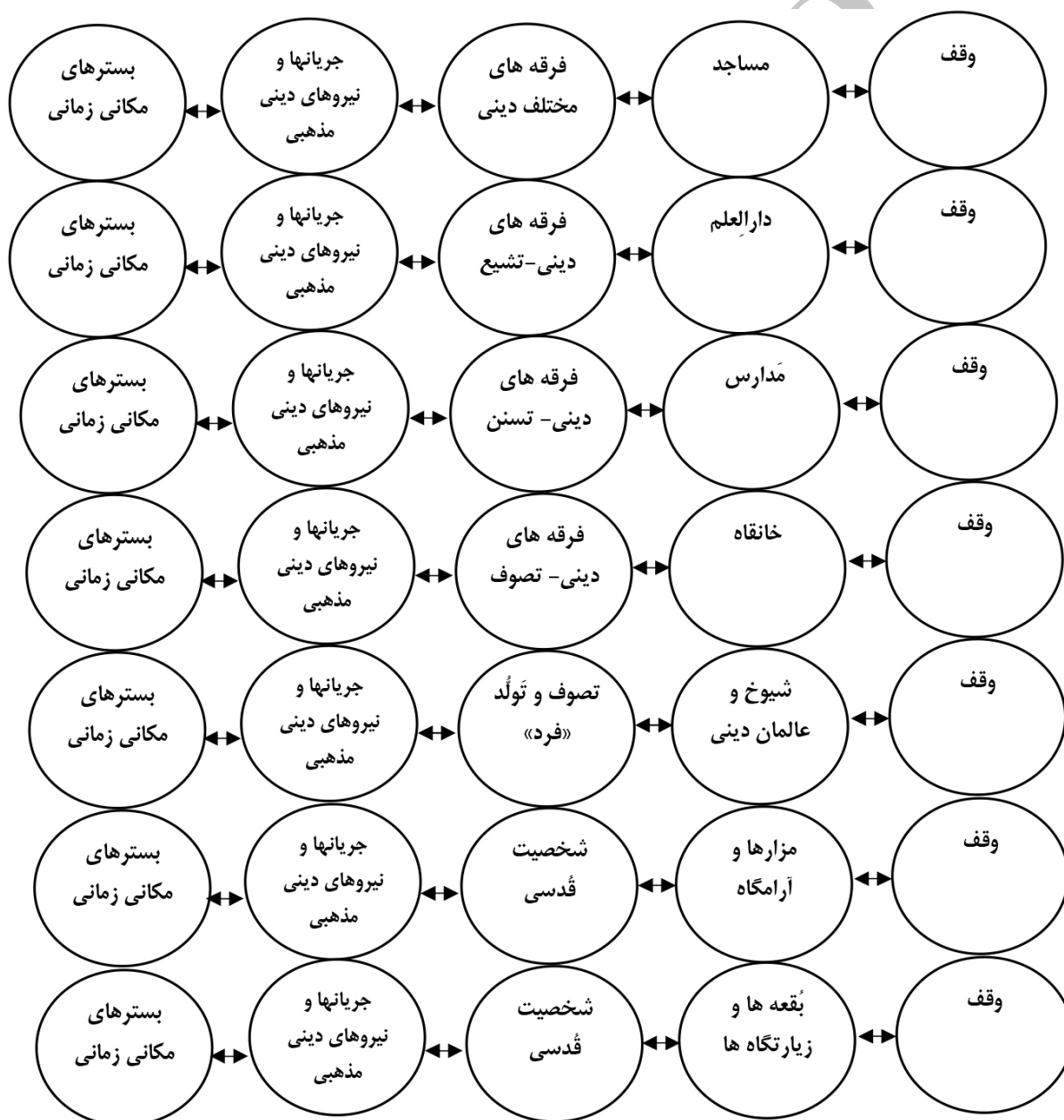
مدار گرانشی

در این مرحله، با شکل‌گیری ماهیت مستقل پدیده وقف رویه‌رو هستیم که مطابق ایده تبیین، عملکرد آن بر اساس سلسله مراتبی از نیروها و عوامل با یکدیگر است. در این مدار تبیینی (نمودار شماره ۷) «بسترهای مکان-زمان» و متافیزیکی حاکم بر آن با «مولفه‌های دینی فرهنگی شهر ایرانی-اسلامی» انطباق داده شده است. به تبع تحولات رصدشده از سده قرن چهارم به بعد، تحولات دینی و مذهبی متفاوتی در شهر ایرانی-اسلامی و در طی سلسله حکومت‌های مختلف صورت گرفت. در این میان، اختلافات آغازین اعراب بر شکل‌گیری «جریان‌های فرقه‌ای» مؤثر بود و با حضور جریان‌های عمده شیعیان در قرن چهارم هجری (متز-الف، ۱۳۶۲: ۷۵ به نقل از مسعودی)، حضور داعیان اسماعیلی از اواسط قرن نهم میلادی (فرای، ۱۳۵۸: ۱۵۹)، خوارج و جریان‌های غالب تفکر اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) همراه شد. اثرگذاری این فرقه‌های دینی تنها در حد مُنازعات مذهبی نبود و در تخریب و بازسازی اماکن مذهبی آنها تأثیر مستقیم داشت (ن.ک. مادلونگ، ۱۳۷۲: ۱۰۶-۱۰۷). این اماکن مذهبی، رفاهی

و عمومی همانند مساجد، مدارس، خانقاه‌ها، آرامگاه‌ها، رباط‌ها، کتابخانه‌ها، آب‌انبارها، بیمارستان‌ها و کاروان‌سراها ویژگی مشترک‌شان، نقش «چند کارکردی» آنها بود (کیانی، ۱۳۶۶: ۲۰۰) (ن.ک. کیانی میرا، ۱۳۶۹: ۱۲۶-۱۳۵) (ن.ک. العش، ۱۳۷۲: ۱۷۵) (ن.ک. هیلن براند، ۱۳۷۷: ۸۱) (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۶). اختلافات یاد شده در مساجد، عامل تفرق بین فرقه‌ای و حتی درون فرقه‌ای اهل سنت بود (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۸۱) (۱۰۰) و صوفیان نیز برای خود، مساجد خاص خود را داشتند (کیانی میرا، ۱۳۶۹: ۷۸-۷۹). با شکل‌گیری مساجدی با این ماهیت، عملاً کشش مساجد به وقف نیز آغاز می‌شد تا وقف با دو ویژگی دینی و اقتصادی مستتر در خود به پایداری مساجد کمک کند. ریشه شکل‌گیری بسیاری از مساجد وقفی در ایران (ن.ک. اشراقی، ۱۳۵۷: ۶۳) (ن.ک. ملازاده و محمدی، ۱۳۷۹: ۲۱-۲۶) در همین سازوکار بود. منطق این سازوکار را می‌توان برای سایر اماکن مذهبی همانند دارالعلم‌ها و مدارس مد نظر قرار داد. پیدایش این دو هسته اصلی آموزشی-دینی از ابتدای قرن چهارم هجری (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴: ۷۲) ریشه در رویکردهای دینی و آموزشی داشته‌اند که به تبع فرقی تشیع و تسنن در ایران و به تناسب مذهب حاکمان وقت، رشد و اضمحلال داشته‌اند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴: ۱-۳۷، ۱۱۴) (ن.ک. العش، ۱۳۷۲: ۱۶۴-۱۷۶، ۳۹۵). در پیوند با کارکردهای مساجد تدریسی و یادبودی (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۱۰۱) و جدایی تدریجی کارکردهای مختلف آن، اندک اندک «سنت تدفین» در مدارس همگام با حضور و نقش بیش‌تر «علمای دینی» و مرجعیت بیش‌تر آنان برای مردم پذیرفته می‌شد. بدین ترتیب، با شکل‌گیری و استقلال این هسته‌ها و تقویت هر کدام در بستری از تاریخ، کشش این مراکز فرقه‌ای آموزشی به وقف برای پشتیبانی دینی و اقتصادی از آن شکل گرفت. «دارالعلم سابور» تأسیس شده توسط «سابور بن اردشیر» در بغداد (ن.ک. العش، ۱۳۷۲: ۹۶-۱۴۹) و بسیاری از مدارس وقفی در ایران (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴: ۱۰۰-۲۲۱) (ملازاده و محمدی، ۱۳۸۱: ۱۰۷-۲۶۴) به این طریق رشد و توسعه یافتند. از سویی دیگر، «تصوف» به مثابه پدیده و جریانی اجتماعی در ایران ضمن کار و تلاش، با مردم در امور خیر همراهی و از ایشان دستگیری داشتند (ن.ک. کیانی میرا، ۱۳۶۹: ۲۷۵-۳۱۰) (ن.ک. حسینی میلانسی، ۱۳۹۵: ۲۳۹، ۲۴۹، ۲۵۱). با این وجود، کشش خانقاه‌ها به وقف، تنها به عنوان بخشی از درآمدها در خانقاه‌های وقفی ایران (کیانی میرا، ۱۳۶۹: ۹۴-۳۲۱) (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۷۲: ۶۸) بود. خانقاه‌ها به دلیل «چند کارکردی‌شان» به عنوان کانون‌های اجتماعی سازنده شناخته می‌شدند و از کمک‌های مالی سرازیر شده با عنوان «فتوح» بهره‌مند بودند (ن.ک. کیانی میرا، ۱۳۶۹: ۲۷۵-۳۱۰). در این میان، ضمن توجه ویژه جریان تصوف بر «فرد» (پیشین: ۲۱) (آدونیس، ۱۳۹۲: ۱۲۳)؛ ایده «شخصیت مقدس» تکوین و با حمایت «لایه قدرت» از قرون چهارم هجری،

تقویت شد (ن.ک. مظاهری، ۱۳۴۸: ۳۷، ۶۵-۶۶) (متر-الف، ۱۳۶۲: ۸۹). به موازات پیدایش فرق مختلف مذهبی به ویژه «تولد فرد» در نهضت تصوف، تداوم مقبولیت آنان حتی پس از مرگ نیز ادامه پیدا کرد. این جریان همواره با امور خیریه مرتبط بود (knysh, 2010:86-89). هم‌چنین، پیروان این فرقه‌ها، جذب اماکن جدیدتر دینی شدند و پیوند این عامل جدید به شکل‌گیری هسته‌های کالبدی «مزارها و مقابر مقدس» انجامید (ن.ک. حسینی، ۱۳۸۸: ۱۶)؛ این حضور از دوره آل بویه بعد در ایران نمایان است. این وابستگی دینی مذهبی در سایر تأسیسات دینی فرهنگی همانند رُباط‌ها (کیانی میرا، ۱۳۶۹: ۶۶، ۷۳) کتابخانه‌های وابسته (ن.ک. العش، ۱۳۷۲: ۱۸۳) و بیمارستان‌ها (ن.ک. تاج‌بخش،

۱۳۷۹: ۲۵۲) نیز وجود داشت. بنابراین، این مراکز نیز با همین منطق قابلیت تبیین دارند. «کتابخانه‌های وقفی» متعلق به «مدرسه بیهقیه» در نیشابور، مسجد جامع اصفهان (ن.ک. ساعاتی، ۱۳۷۴: ۷۱-۷۲، ۸۱-۸۳، ۱۶۶) و بیمارستان‌های وقفی در ایران (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴: ۹۵) (تاج‌بخش، ۱۳۷۹: ۳۱-۱۴۹) از این نمونه‌ها هستند. فوراً یادآوری می‌شود که حضور مستقل وقف به عنوان عامل آخر در این «مدار گرانشی»، به ساحت شهر و ویژگی‌های ناظر بر آن از جمله پیوندهای آن با حوزه پیرامونی ده‌ها و روستاها وابستگی داشته و خود در شکل‌دهی به هسته‌های اصلی کالبدی آن (مساجد، مدارس، مزارها و...) کاملاً سهم بوده است.



نمودار شماره ۷: منطقی تبیین مصادیقی وقف به تناسب عناصر موجود در «مدار گرانشی»

الگوهای عمده وقف و موقوفات

تعجلی و حضور وقف در دوره زمانی پژوهش را می‌توان «دوره وقف توأمان با الگو» معرفی کرد. به طوری که در این عصر تاریخی، انباشتگی عناصر جدید در یک چارچوب فکری منظم و با روابطی پیچیده منجر به شکل‌گیری الگوهایی شد که می‌توان به «الگوهای پایه‌ای وقف» از آن یاد کرد. این الگوها شامل سه دسته‌بندی «الگوهای عمده تأسیسات و رقبات موقوفه»، «الگوهای عمده توزیع و جهت‌گیری موقوفات» و «الگوهای فرعی عمده در توزیع موقوفات» است. شکل‌گیری این الگوها وابسته به کُشگران، نیروها و جریان‌های قبلی است. دسته‌بندی زیر به کمک بررسی و پشتیبانی ۱۰۰ نمونه از مصادیق وقفی استخراج شده در شهر ایرانی است. حضور و تعجلی وقف نیز به ترتیب در دوره‌های ایلخانی، سلجوقی و تیموریان بیش‌تر نمایان است.

الگوهای عمده تأسیسات و رقبات موقوفه‌ای

از حیث دسته‌بندی موقوفات غیر کالبدی و تأسیسات کالبدی وقفی می‌توان از سیزده الگو در این دوره زمانی یاد کرد. دو الگوی موقوفات «املاک- اراضی» و «ده‌ها» به ترتیب با نه و هفت مرتبه تکرار در سلسله‌های محلی، عمده‌ترین شکل موقوفات در شهر

گذشته ایرانی بودند. موقوفات دیگر، دامنه‌ای متفاوت از وقف وقت و پول، مزارع، قنات، باغ، بازار و... را تشکیل می‌دادند.

الگوهای عمده توزیع و جهت‌گیری موقوفات

این الگوها، شامل پنج دسته هستند: الگوی توزیعی «دینی- مذهبی»، «آموزشی- دینی» (مدارس)، «رفاه عمومی»، «ابواب البر» و «فقیران و مسکینان». هم‌چنین دو الگوی «دینی- مذهبی» و «آموزشی- دینی» با هفت مرتبه تکرار در نمونه‌های بررسی شده، پرتکرارترین شکل توزیعی مصارف موقوفات در سلسله‌های منتخب هستند.

الگوهای فرعی عمده در مصارف و توزیع الگوهای پایه‌ای وقف

این الگوها، شامل دوازده سطح است. وقف کردن برای ساخت مساجد، برترین گزینه (هفت مرتبه تکرار) در این مصارف است. بعد از آن، «عالمان دینی» و «فرقه‌های دینی» (هر کدام با پنج مرتبه تکرار) بیش‌ترین توجه را داشتند. شایان گفتن است که داده‌های موجود وقفی این بخش تنها در هفت دوره از یازده دوره پژوهش، قابلیت استناد و گزارش دهی را دارند.

جدول شماره ۲: تعداد و چگونگی پخشایش ۱۰۰ نمونه از مصادیق وقف به تفکیک دوره‌های تاریخی پژوهش

نام دوره تاریخی	طاهریان	صفاریان	سامانیان	آل بویه	غزنویان	سلجوقیان	خوارزمشاهیان	اتابکان	ایلخانیان	تیموریان	قراقویونلو	جمع کل
تعداد نمونه	۱	۶	۶	۳	۱	۲۱	۱	۸	۳۲	۲۰	۱	۱۰۰

جدول شماره ۳: الگوهای عمده توزیع موقوفات و رقبات به تفکیک سلسله‌های منتخب پژوهش

طاهریان	صفاریان	سامانیان	آل بویه	غزنویان	سلجوقیان	خوارزمشاهیان	اتابکان	ایلخانیان	تیموریان	قراقویونلو
ده	پول و مال	املاک	آسیاب	ده	املاک	املاک	ده	آسیاب	اراضی	ترکیبی
-	بازار	پول و مال	کتاب	-	مزرعه	بازار	-	املاک	املاک	-
-	-	گرمابه	املاک	-	ارضی	ارضی	-	باغ	پول و مال	-
-	-	ده	-	-	وقت و پول	ده	-	پول و مال	ترکیبی	-
-	-	-	-	-	پول و مال	-	-	ترکیبی	مزارع	-
-	-	-	-	-	ترکیبی	-	-	ده	نهر	-
-	-	-	-	-	قنات	-	-	قرآن	-	-
-	-	-	-	-	ده	-	-	مزرعه	-	-
-	-	-	-	-	-	-	-	نخلستان	-	-

جدول شماره ۴: الگوهای عمده در توزیع و جهت‌گیری موقوفات به تفکیک سلسله‌های منتخب پژوهش

طاهریان	صفاریان	سامانیان	آل بویه	غزنویان	سلجوقیان	خوارزمشاهیان	اتابکان	ایلخانیان	تیموریان	قراقویونلو
فقیران و مسکینان	دینی مذهبی	دینی مذهبی	آموزشی دینی	آموزشی دینی	ابواب البر	آموزشی دینی	آموزشی دینی	ابواب البر	ابواب البر	دینی مذهبی
-	رفاه عمومی	-	رفاه عمومی	-	آموزشی دینی	-	آموزشی دینی	آموزشی دینی	آموزشی دینی	-
-	-	-	-	-	رفاه عمومی	-	ابواب البر	دینی مذهبی	دینی مذهبی	-
-	-	-	-	-	فقیران و مسکینان	-	-	رفاه عمومی	رفاه عمومی	-
-	-	-	-	-	دینی مذهبی	-	-	فقیران و مسکینان	-	-

جدول شماره ۵: زیرالگوهای عمده در مصارف موقوفات پایه‌ای شهر ایرانی در قرون نخستین و میانی

صقاریان	سامانیان	سلجوقیان	اتابکان	ایلخانان	تیموریان	قراقویونلو
تفسیر قرآن	ساخت مساجد	ساخت بقعه	ساخت مسجد	ساخت بقعه‌ها	مقابر	ساخت مسجد
ساخت مساجد	عالمان دینی	ساخت رُباط	ساخت رُباط	عالمان دینی - تصوف	عالمان دینی	-
-	فرقه دینی - علویان	زیارتگاه‌ها	-	ساخت مسجد	ساخت مسجد	-
-	فرقه دینی - درویشان	ساخت مساجد	-	ساخت رُباط	اماکن مذهبی	-
-	-	عالمان دینی	-	مزار	زیارتگاه	-
-	-	فرقه‌های دینی	-	فرقه دینی - تشیع	عالمان دینی - تصوف	-
-	-	-	-	ساخت خانقاه	مزار	-
-	-	-	-	خانه خدا، کعبه	ساخت خانقاه	-
-	-	-	-	فرقه دینی - تصوف	ابواب البر	-
-	-	-	-	زیارتگاه‌ها	-	-

بحث

کارکردهای وقف در این دوره زمانی، اولاً وابسته به نحوه رشد و توسعه وقف در مجاورت با چپستی شهر و توسعه شهری است. این کارکردها، خود متناظر با ابعاد سه گانه وقف در این دوره بود. ابعاد دوگانه اصلی دینی- فرهنگی و اقتصادی وقف در این دوره نیز ناظر بر پشتیبانی بُعد کالبدی وقف با حمایت گروه عمده موقوفات املاک و ده‌ها بود. در ویژگی‌های دینی- فرهنگی، «معانی ضمنی» وقف، ناظر بر بُعد مطلوبیت معنوی و خیریه^{۱۳} و نماد دینی (Leeuwen, 1999: 197, 202, 205) آن است. بُعد کالبدی و اقتصادی آن نیز همراه با «معانی ضمنی» همانند سرمایه، انتقال دهنده مازاد تولید، تثبیت دارایی (Ibid: 197, 198, 201) و هر سه بُعد با یکدیگر دارای بار معنایی «سرمایه» و «قدرت نمادین»^{۱۴} (Ibid: 23, 205) است. بنابراین سه بُعد متعامل دینی- فرهنگی، اقتصادی و کالبدی وقف در شهر گذشته ایرانی اسلامی مکمل یکدیگر بودند و شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه نیز مقوم این ابعاد به تناسب دوره زمانی سلسله‌های مختلف محلی بودند؛ به عبارت دیگر، کارکردهای مستقل وقف ناظر بر ابعاد سه گانه وقف و نیز معانی ضمنی مستتر در آن بود که در نهایت سبب کشش نهایی هسته‌های اصلی شهری به «وقف» در «مدار گرانشی» آن می‌شد. اولین کارکرد وقف، کارکرد دینی و مذهبی است. وقف، عملاً توسعه دین، قوام مذاهب و شکل‌گیری ائینه مذهبی چند کارکردی را در شهر گذشته ایرانی تقویت می‌کرد. مطالعات موردی انجام شده در جهت سنجش کارکردی وقف برای تقویت جریان‌های فرقه‌ای از جمله تشیع دوره ایلخانی (ایزدی و اسماعیل زاده، ۱۳۹۱: ۱۷۵) تاییدکننده این کارکرد است. کارکرد دوم آن، شکل دهنده‌گی به تمامی مجموعه نیروهای موجود در «مدار گرانشی» آن یا «کارکرد هم‌گرابخش» بوده است. در واقع، نوعی هم‌افزایی برای هم‌گرایی تمام عناصر اتفاق می‌افتد که ریشه در کشش هسته‌های اصلی شکل گرفته به وقف دارد. لیوون (Leeuwen, 1999: 197, 208) در مطالعه تبیینی خود از این کارکرد هم‌گرایی^{۱۵} در سه بُعد «هم‌گرایی اقتصادی»^{۱۶}، «هم‌گرایی اجتماعی»^{۱۷} و «هم‌گرایی

اجرایی»^{۱۸} با ماهیتسی درونی (Ibid: 197-203)، به عنوان کارکرد نخست وقف در جامعه یاد نموده است. بخشی از این هم‌گرایی در عرصه دین، قدرت و وقف در جامعه ایرانی را می‌توان در هم‌پیوندی ساخت آرامگاه و تکریم مقابر برای مشروعیت‌آمیزی «ساحت قدرت» ردیابی کرد (ن.ک. مظاهری، ۱۳۴۸: ۶۵-۶۶) (ن.ک. متر-الف، ۱۳۶۲: ۸۹). قاعدتاً این حضور قدرت‌مند برای نیروها و لایه‌های سیاسی و کنشگران عمده‌ای همانند شاهان و امیران نوعی «سرمایه نمادین» بود و بی‌کارکرد سیاسی برای کنترل جامعه و تداوم حکومت‌ها نبود (ن.ک. منزر، ۱۳۹۲: ۲۷۵-۲۷۶). رابطه متعامل موقوفات ده‌ها، روستاها و مناطق پیرامونی شهری با ائینه وقفی شهری نیز کارکرد پایداربخشی وقف برای هر دو سطح از سکونت‌گاه‌ها را متقابلاً تأمین می‌کرد. این ارتباط، خود ریشه در هم‌پیوندی شهر و حوزه نفوذ پیرامونی آن با اراضی روستایی مجاور به عنوان مولفه بنیادی در ساحت شهر ایرانی- اسلامی بود که در بخش‌های اولیه مطالعه بدان اشاره شد. یادآوری می‌شود بسط هر یک از این کارکردها، خود نیازمند پژوهش‌های مستقل دیگر و با رویکردهای درونی به متن ساختار جامعه و شناسایی کنشگران آن است.

نکته قابل توجه دیگر آن که شکل‌گیری وقف تنها محدود به کشش هسته‌های کالبدی و غیر کالبدی به آن نیست. در مطالعات پیشین به صورت موردی جریان وقف را وابسته به حضور اشخاص پُر نفوذ با جهت‌گیری فرقه‌ای خاص قلمداد کرده‌اند (ن.ک. ایزدی و اسماعیل زاده، ۱۳۹۱: ۱۷۰، ۱۷۴) (ن.ک. مطهری و اسماعیل زاده، ۱۳۹۴: ۴۰). به علاوه، همه مطالعات پیشین به «سازوکار گرانشی وقف» بی‌توجه بوده‌اند؛ به عبارتی، برای بازتولید مجدد وقف به یک «مدار گرانشی چند بُعدی» وقف با حفظ ابعاد چندگانه‌اش و با در نظر گرفتن شرایط جدید آن نیازمند هستیم و نه یک «مدار کششی دو بُعدی» و یا بازتولیدی با حضور صرف بازیگران و کنشگران آن. در واقع در این مدار است که «میدان وقف»^{۱۹} به تعبیر بوردیوی (Leeuwen, 1999: 89-90) به همراه بازیگران عمده آن شکل می‌گیرد.

یافته‌های استخراج شده از ساحت شهر و مولفه‌های تدوین شده در این پژوهش، با پژوهش‌های انجام شده در خصوص قواعد و ویژگی‌های معرفی شهرها در متون کهن (ن.ک. توسلی، ۱۳۹۳: ۴۴-۴۵) مطابقت دارد. به طوری که می‌توان به پشتوانه شاخص‌هایی همانند «شهر و تقسیمات منطقه‌ای آن» و نیز «سابقه فرهنگی و تمدنی شهر»، با عبور از رویکردهای توصیفی رایج، از عناصر و قواعد پنهان کتب تاریخی‌های محلی در تبیین پدیده‌های دینی-فرهنگی چند بُعدی و تاریخی همانند «وقف» بهره‌مند شد.

پژوهش‌های تبیینی تاریخ‌محور می‌توانند با عبور از رویکردهای رایج توصیفی، خلأها و دغدغه‌های پژوهشگران مختلف در بی‌توجهی موجود به خاستگاه‌ها و ریشه‌های اماکن مذهبی در ایران (ن.ک. حسینی، ۱۳۸۸: ۲۳) (حمزه نژاد و خراسانی مقدم، ۱۳۹۱: ۱۱۱) و ضرورت بازخوانی تاریخ گذشته ایران (حسینی میلانی، ۱۳۹۵: ۲۵۹) را پُر کنند. این رویکردها، در پدیده‌های چند بُعدی و پیچیده‌ای همانند وقف می‌توانند دیدی یکپارچه از کارکردهای مختلف و تمامی عناصر دخیل در آن را ارائه کنند. با رویکردهای استقرایی نیز می‌توان گام‌های بلندی برای دوری از «دام نظریه‌زدگی» و نیز رویارویی صریح با واقعیتی تاریخی برداشت و سپس به سوی انتخاب نظریه‌های موجود و یا تدوین نظریه‌ای بومی حرکت کرد.

مدل تبیین‌شده استقرایی این پژوهش به کمک «مدار گرانشی» و «نظریه نسبیت عام» با مدل و پژوهش قیاسی لیوون (Leeuwen, 1999:24) مطابقت دارد. در آن مطالعه، پژوهشگر از وقف، به عنوان «پدیده تاریخی پویا» یاد کرده و استناد تنها به «ماهیت ذاتی»^۲ آن رد شده است (Ibid, 197, 204). با این حال در آن پژوهش، از چگونگی پیدایش بازیگران عمده «میدان وقف» و نیز ماهیت مستقل یا وابسته وقف سخنی به میان نیامده و با فرض وجود این نیروها، «تحلیلی درونی» از وقف به کمک «نظریه میدان بوردیو» صورت گرفته است. از سویی دیگر، «تحولات درون‌زا» به عنوان مجموعه رویدادهای مکمل «بسترهای مکان-زمان» و «محرک‌های توسعه وقف» در شهر گذشته ایرانی حضور داشته‌اند. این تحولات، خود بیانگر چگونگی شکل‌گیری تاریخی نهاد وقف به کمک نیروهای مختلف در جامعه ایرانی (ن.ک. آزادارمکی، ۱۳۹۱: ۳۶۸-۴۰۱) است. هم‌چنین دست‌اندازی‌ها به موقوفات، تخریب‌های متداوم ابنیه وقفی و بازسازی‌های مداوم آن در تمامی دوره‌های تاریخی وجود داشته (ن.ک. عباسی، ۱۳۸۳: ۷۹) و با توجه به حضور تاریخی محسوس و غالب «املاک و ده‌های وقفی»، پژوهش‌های مستقل دیگری برای ردیابی فرضیه‌هایی همانند کژکارکردی‌های وقف در آن اراضی کشاورزی و نیز ده‌ها و آبادی‌های وقفی الزامی به نظر می‌آید.

نکته پایانی این که در مطالعه لیوون، شکل‌گیری تاریخی وقف در شهر دمشق معطوف به نگاه ساختاری و استفاده از دستگاه فکری

خاصی همانند حضور «روابط اجتماعی»، «نهاد»، یا «میدان وقف» به تعبیر «بوردیو» و نیز مفاهیمی هم‌چون «سرمایه‌های نمادین» (Leeuwen, 1999:66,89,204-205) در تبیین نهاد وقف است. آرای بوردیو در این خصوص برگرفته از قابلیت‌های نظریه‌های جاذبه و فیزیک نظری (Martin & Gregg, 2015: 39-40) در تبیین پدیده‌های اجتماعی است که در تبیین حاضر نیز از همین مدل نظری ولی با رویکرد استقرایی و خلاقانه و از دریچه نگاهی بیرونی به متن و ساختار هم‌پیوند وقف و شهر استفاده شده است.

جمع بندی

سنت حسنه دینی وقف از دوران آغازین اسلام تا انتهای قرون میانی در ایران، قواعد تاریخی خاص خود را داشته که تا کنون به «نگرش‌های تاریخچه‌ای» از آن در مطالعات داخلی وقف بسننده شده بود. نهاد وقف در شهر گذشته ایرانی اسلامی دارای مختصات خاص خود است و استفاده از الگوی فکری مناسب برای چنین مختصاتی الزامی است. در حین مواجهه با داده‌های خام بسیار زیاد و با رویکردهای استقرایی، روش تحقیق آمیخته؛ روشی مناسب برای ترکیب و تلفیق داده‌های کیفی و کمی و برای استخراج مدل تبیین محور اکتشافی مفید است. در این پژوهش از یک الگوی نوین برای تبیین پدیده تاریخی وقف به شکل معرفی ماهیت دوگانه وابسته و مستقل استفاده شد. بر طبق مدل تبیینی پژوهش، مولفه‌های اکتشافی دینی-فرهنگی برخاسته از بسترهای کلان مکانی-زمانی بودند و عوامل محرک و نیز تحولات درون‌زا، شکل‌دهنده و کنترل‌کننده ماهیت وابسته وقف در نظر گرفته شدند. این بسترهای کلان، خود شامل بر پنج ساحت قدرت، دین، فرهنگ، مدنیت و کالبد شهر استوار هستند. از جمله عوامل محرک در این دوره، می‌توان به «فرهنگ اهدای مال و صدقات» در دوشادوش «فرهنگ وقف» در شهرهای دوره اسلامی اشاره کرد که نمودهای آن در سلسله‌های مختلف ایرانی قابل مشاهده است. در این بین، ماهیت مستقل وقف در یک «مدار گرانشی» همراه با مجموعه‌ای از عناصر مختلف و با ماهیت سلسله مراتبی شکل می‌گرفته و سازوکار گردش و حرکت مستقل وقف را یک «مدار گرانشی چند بُعدی» و نه یک «مدار کششی دو بُعدی» تعیین می‌کرده است. وقف در شهر گذشته ایرانی، دارای دو بُعد آشکار دینی و اقتصادی با حمایت بُعد کالبدی بود. این ابعاد، هر کدام دارای معانی مستتری در خود برای تقویت وقف بودند. در بُعد کالبدی و اقتصادی، الگوی غالب موقوفات، متعلق به املاک و ده‌ها است و برتری حضور مساجد وقفی در یکصد نمونه بررسی شده با تاز داشته است. وقف در این دوره، از تمامی فرقه‌های مختلف دینی اعم از تشیع، تسنن، تصوف و ... حمایت می‌کرد و کیش هسته‌های اصلی شکل گرفته به وقف در «مدار

فهرست منابع و مراجع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن هشام (۱۳۷۷)، سیرت رسول الله، جلد اول، ترجمه رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی (قاضی ابرقوه) با مقدمه و تصحیح اصغر مهدوی، انتشارات خوارزمی، تهران.
۳. آدونیس، علی احمد سعید (۱۳۹۲)، سنت و تجدید یا ثابت و متحول (پژوهشی در نوآوری و سنت عرب)، ترجمه حبیب الله عباسی، انتشارات سخن، تهران.
۴. اروچی، فاطمه و کاظم زاده، اکبر (۱۳۹۵)، «حیات اجتماعی اقلیت‌های دینی در دوره آل بویه»، تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، سال ششم، شماره دوازدهم.
۵. آزادارمکی، تقی (۱۳۹۱)، بنیان‌های فکری نظریه جامعه ایرانی، انتشارات علم، تهران.
۶. اشپولر، برتولد (۱۳۶۵)، تاریخ مغول در ایران، سیاست، حکومت و فرهنگ دوره ایلخانیان، ترجمه محمود میرآفتاب، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۷. اشراقی، احسان (۱۳۵۷)، «شرحی بر وقف‌نامه امیر خمارتاش بن عبدالله عمادی در مسجد جامع قزوین»، مجله بررسی تاریخی، سال سیزدهم، شماره هفتاد و شش.
۸. اشکوری، سید احمد (۱۳۷۳)، «موقوفات امیرالمومنین»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال دوم، شماره چهارم.
۹. العش، یوسف (۱۳۷۲)، کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی در قرون وسطی، بین النهرین، سوریه و مصر، ترجمه اسدالله علوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۰. امین پور، احمد؛ جبل عاملی، عبدالله و خطابخش، فریبا (۱۳۹۵)، «بررسی تاریخی نحوه مالکیت مجموعه میدان نقش جهان اصفهان (از صفویه تا انقلاب اسلامی و بر مبنای اسناد وقفی)»، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۱، شماره ۴.
۱۱. اهلز، اکارت (۱۳۷۴)، «موقوفات دینی و شهر شرق اسلامی»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال سوم، شماره دوم.
۱۲. ایازی، سید محمدعلی (۱۳۸۷)، گستره مبانی وقف در قرآن کریم، همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، جلد اول، سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران.
۱۳. ایزدی، حسین و اسماعیل زاده، صدرالله (۱۳۹۱)، «جایگاه وقف در توسعه تشیع در عصر ایلخانان»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال سیزدهم، شماره دوم.
۱۴. ایمانی فر رویگر، محمد (۱۳۸۹)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دوره آل بویه، انتشارات استهبان، شیراز.
۱۵. باقی، عمادالدین (۱۳۸۱)، نگاهی جامعه‌شناختی به وقف و مسجد، در باقی، عمادالدین (۱۳۸۱)، پرستشگاه در عهد سنت و تجدید، نشر سرایی، تهران.
۱۶. بشیر، حسن (۱۳۹۳)، فرهنگ وقف، مفاهیم بنیادین فرهنگ اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۱۷. بویل، جی، ا. (۱۳۸۹)، تاریخ ایران کمبریج، جلد پنجم، قسمت اول، سلجوقی، ترجمه تیمور قادری، انتشارات مهتاب، تهران.
۱۸. بیانی، شیرین (۱۳۷۰)، دین و دولت در ایران عهد مغول، جلد اول، از تشکیل حکومت منطقه‌ای مغولان تا تشکیل حکومت ایلخانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۱۹. بیانی، شیرین (۱۳۷۱)، دین و دولت در ایران عهد مغول، جلد دوم، حکومت ایلخانی، نبرد میان دو فرهنگ، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۲۰. تاج‌بخش، حسن (۱۳۷۹)، تاریخ بیمارستان‌های ایران، از آغاز تا عصر حاضر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

گِرانشی» برای پشتیبانی از آنها وجود داشت. تأکیدی همانند توجه به گروه‌های «فقیران و مسکینان» و یا «رفاه عمومی» از طریق اوقاف بین همه این فرقه‌ها و در میان سلسله‌های مختلف محلی مشترک است. کارکردهای وقف نیز تنها به یک عنصر متداخل در «مدار گِرانشی» متکی نبود و عملاً وقف برای تمامی عناصر و بازیگران مذهبی، اجتماعی و سیاسی جامعه، نقشی انتظام بخش داشت. هم‌چنین، «کارکرد هم‌گراکننده» وقف برای نظام شبکه‌ای نیروهای مختلف مؤثر در «مدار گِرانشی» در کنار «کارکرد پایداری» دو سویه وقف برای شهرها و منطقه پیرامونی آن (آبادی، ده‌ها و روستاها) عمل می‌کرد. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که پژوهش‌های بنیادی در این مقیاس کلان چگونه می‌توانند ضمن مراجعه به منابع بومی و استفاده از روش‌شناسی تبیینی مناسب؛ چشم‌اندازهای نوینی را بر این پدیده بگشایند و زمینه‌های جدیدی را برای پژوهش‌های دیگر در خصوص «نهاد تاریخی وقف» باز کنند تا به نوعی کمبود محسوس پژوهش‌های علمی در این زمینه به تدریج برطرف شود.

قدردانی و تشریح

در بخش نظری این مطالعه از همفکری جناب آقای دکتر علی عسگری، دانشیار گروه مدیریت بحران دانشگاه یورک کانادا استفاده شده است که بدین وسیله از ایشان و هم‌چنین سرکار خانم نرگس محمدنبی و جناب آقای حجت امیری کارشناسان محترم سالن استاد حائری در کتابخانه شماره یک مجلس شورای اسلامی به جهت صمیمیت نگاه و در اختیار قرار دادن منابع متعدد این پژوهش و دیگر پژوهش مکمل آن، قدردانی و سپاسگزاری می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

1. Waqf
2. Charity
3. Sadaqa
4. Habs
5. Mukhayriq
6. Pierre Bourdieu
7. Economic & Social Regeneration
8. Exploratory Mixed Method
9. Sequential
10. The Post-Newtonian Gravity Models
11. Space –Time
12. The General Theory of Relativity
13. Piety
14. Symbolic Power
15. Integrating Function
16. Economic Integration
17. Social Integration
18. Administrative Integration
19. Field of Waqf
20. Essential Nature

۲۱. ترابی فارسانی و بهادری، علی (۱۳۹۰)، «خط مشی مذهبی مغولان و ایلخانان در ایران»، **فصلنامه مسکوبه**، سال ششم، شماره ۱۸.
۲۲. ترکمنی آذر پروین (۱۳۸۵)، «سلجوقیان، اختلافات مذهبی و پیامدهای آن»، **پژوهشنامه علوم انسانی**، شماره ۵۱.
۲۳. ترکمنی آذر پروین و پرگاری، صالح (۱۳۷۸)، **تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفاریان و علویان**، انتشارات سمت، تهران.
۲۴. توسلی، حمیدرضا (۱۳۹۳)، «قواعد و ویژگیهای معرفی شهرها در متون کهن، مطالعه موردی، شهرهای سامانیان»، **باغ نظر**، سال یازدهم، شماره ۲۸.
۲۵. جعفری، جعفر بن محمد بن حسن (۱۳۴۳)، **تاریخ یزد**، به کوشش ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۲۶. جکسون، پیتر و لاکهارت، لورنس (۱۳۸۷)، **تاریخ ایران کمبریج**، جلد ششم، قسمت اول، ترجمه دکتر تیمور قادری، انتشارات مهتاب، شهر کتاب، تهران.
۲۷. جنید شیرازی، عیسی (۱۳۶۴)، **تذکره هزار مزار**، ترجمه شد الازار (مزارات شیراز)، بتصحیح و تحشیه نورانی وصال، انتشارات کتابخانه احمدی، شیراز.
۲۸. چمران، نصرالله (۱۳۸۰)، **بررسی عوامل موثر بر عمران موقوفات استان تهران**، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
۲۹. حاجی آبادی، علی (۱۳۹۲)، **الوقف و موقوفات امیرالمومنین**، مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد.
۳۰. حسن قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱)، **تاریخ قم**، ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، انتشارات توس، تهران.
۳۱. حسینی میلانی، ندا (۱۳۹۵)، «تصوف و حیات اجتماعی، بررسی جهت گیری در طریقت نقش بندی و نعمت الهی در حوزه های اقتصادی و سیاسی در عصر تیموری»، **مطالعات جامعه شناختی**، دوره ۲۳، شماره یک.
۳۲. حسینی، سید هاشم (۱۳۸۸)، «بررسی روند شکل گیری مجموعه های آرامگاهی در معماری ایران دوره اسلامی، بنابر آراء ابوسعید ابوالخیر»، **هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی**، شماره ۳۸.
۳۳. حمزه نژاد، مهدی و خراسانی مقدم، صبا (۱۳۹۱)، «گونه شناسی مزارهای اسلامی در ایران بر اساس مفاهیم قدسی تشبیه، تنزیه، جمال و جلال»، **مطالعات معماری ایران**، سال اول، شماره ۲.
۳۴. حیدری باباکمال، یداله؛ اسکندری، نصیر؛ شکر، طاهره و بهرامی نهادفر، مرتضی (۱۳۹۱)، «بررسی و مطالعه جایگاه زنان و خاتونها در عصر مغول با استناد به شواهد تاریخی و داده های باستان شناسی»، **زن در فرهنگ و هنر**، دوره ۴، شماره ۴.
۳۵. درجی، حسن (۱۳۹۰)، **بهینه سازی موقوفات، راز ماندگاری**، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۳۶. راوندی، مرتضی (۱۳۸۲)، **تاریخ اجتماعی ایران**، جلد چهارم، شیوه حکومت و سازمان سیاسی و اداری، قسمت دوم، نشر نگاه، تهران.
۳۷. رحمت کاشانی، حامد (۱۳۸۶)، **فرهنگ سخنان رسول خدا**، انتشارات پیام عدالت، تهران.
۳۸. روحی، علیرضا (۱۳۹۱)، «تاریخچه مدارس در خراسان عصر سلجوقی»، **نشریه خراسان بزرگ**، سال سوم، شماره ششم.
۳۹. روستا، جمشید و محمودآبادی، مهدیه (۱۳۹۲)، «تحلیلی بر چگونگی منصب وزارت دولت سلجوقی کرمان»، **پژوهش های علوم تاریخی**، دوره ۵، شماره ۱.
۴۰. زرکوب شیرازی، ابوالعباس احمد بن ابی الخیر (۱۳۵۰)، **شیرازنامه**، بتصحیح و اهتمام بهمن کریمی، نشر روشنائی، تهران.
۴۱. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳)، **تاریخ ایران بعد از اسلام**، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۴۲. سازمان حج و اوقاف و امور خیریه (۱۳۶۴)، **نگاهی کوتاه به سنت نبوی وقف**، سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، تهران.
۴۳. ساعاتی، یحیی محمود (۱۳۷۴)، **وقف و ساختار کتابخانه های اسلامی**، کاوشی در میراث فرهنگی اسلام، ترجمه احمد امیری شادمهری، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۴۴. سالم، عبدالعزیز (۱۳۸۳)، **تاریخ عرب قبل از اسلام**، ترجمه باقر صدری نیا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۴۵. سلطانزاده، حسین (۱۳۶۴)، **تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تاسیس دارالفنون**، انتشارات آگاه، تهران.
۴۶. سلیمی فر، مصطفی (۱۳۷۰)، **نگاهی به وقف و آثار اقتصادی- اجتماعی آن**، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۴۷. سنایی، مهدی (۱۳۸۹)، **احیای تمدن اسلامی ایرانی**، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
۴۸. سیستانی، ملک شاه حسین بن ملک غیاث الدین محمد بن شاه محمود (۱۳۸۳)، **احیاء الملوک**، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۴۹. شاه حسینی، پروانه (۱۳۹۰)، **وقف شناسی تهران از شهری اسلامی تا شهری مدرن**، انتشارات پایلی، مشهد.
۵۰. شهابی، سید محمدرضا (۱۳۸۳)، «مبانی و چهارچوب نظری تأثیر وقف در شکل گیری فضاهای شهری»، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، دوره ۱۹، شماره ۱.
۵۱. شهابی، علی اکبر (۱۳۴۳)، **تاریخچه وقف در اسلام**، چاپخانه دانشگاه تهران، تهران.
۵۲. شیخ الحکامی، عماد الدین (۱۳۷۲)، «بازخوانی یک وقفنامه»، **فصلنامه وقف میراث جاویدان**، سال اول، شماره یکم.
۵۳. صادقی، مقصودعلی (۱۳۹۳)، «مسأله راه حج در مناسبات حکومت های شرق و غرب ایران (از غزنویان تا صفویه)»، **تاریخ نامه ایران بعد از اسلام**، سال چهارم، شماره هشتم.
۵۴. طباطباییان، عطیه سادات (۱۳۹۳)، **وقف در قرن ۲۱ (با نگاهی بر گذشته و آینده)**، انتشارات ایده نو، تهران.
۵۵. عباسی، جواد (۱۳۸۳)، «وقف در دوره ایلخانان مغول در ایران (۶۱۶-۷۳۶ ه.ق)»، **فصلنامه مطالعات تاریخی**، شماره پنجم و ششم.
۵۶. عباسی، جواد (۱۳۸۶)، «آسیب شناسی وقف در ایران عصر مغول»، **فصلنامه مطالعات و تحقیقات تاریخی**، سال پنجم، شماره شانزدهم.
۵۷. عسکری، محسن؛ احمدی، حسن و براتی، ناصر (۱۳۹۵)، «تبیین کارکردپذیری پیش الگوهای نخستین وقف در شهر کهن ایرانی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی**، سال ۷، شماره ۲۶.
۵۸. عسکری، محسن و بغدادی، آرش (۱۳۹۴)، «آسیب شناسی چارچوب مطالعات کالبدی وقف در شهر اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی**، سال ۵، شماره ۲۰.
۵۹. علی، جواد (۱۳۷۳)، **تاریخ مفصل عرب قبل از اسلام**، جلد دوم، ترجمه محمد حسین روحانی، نشر آویشن، بابل.
۶۰. فراهانی منفرد، مهدی (۱۳۸۱)، **پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان**، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
۶۱. فرای، ار ان (۱۳۸۹)، **تاریخ ایران کمبریج**، جلد چهارم: طاهریان و صفاریان، سامانیان، غزنویان، بوئیان، ترجمه تیمور قادری، انتشارات مهتاب، تهران.

۸۵. نواب لاهیجانی، میرزا محمد باقر (۱۳۷۹)، **شرح نهج البلاغه**، جلد دوم، میراث مکتوب، تهران.
۸۶. نیازی، محسن؛ جعفریور، مرتضی و کارکنان، محمد (۱۳۹۴)، **جامعه‌شناسی وقف**، سازمان چاپ و انتشارات سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران.
۸۷. هیلن براند، رابرت (۱۳۷۷)، **معماری اسلامی، فرم، عملکرد و معنی**، ترجمه ایرج اعتصام، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.
۸۸. یوسفی فر، شهرام (۱۳۹۰)، **شهر و روستا در سده‌های میانه تاریخ ایران**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
89. Arjomand, S,A, (1998), *Philanthropy, the Law, and Public Policy in the Islamic World before the Modern Era*, IN Ilchman, W, F, Katz, S, N & Queen II, E, L, (Eds), (1998), *Philanthropy in the World's Traditions*, Bloomington, Indiana University Press.
90. Bearman, P, J, Bianquis, TH, Bosworth, C,E, van Donzel, E, Heinrichs, W,P, (eds) (2002), *The Encyclopaedia of Islam*, vol XI, Leiden, Brill.
91. Berg, B, L, (2004), *Qualitative Research Methods for the Social Sciences* (4th Edition), Boston, Allyn & Bacon press.
92. Cizacka, M, (1998), "Awqaf in history and its implications for modern Islamic economies", *Islamic economic studies*, 6 (1).
93. Constantin, D, L, (2004), "The use of Gravity Models for spatial interaction analysis", *Economy Informatics*, 1(4).
94. Creswell, J, W, (2014), *Research Design Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches* (4th Ed), Thousand Oaks, CA, Sage Publications.
95. Creswell, J, W, (2015), *Revisiting Mixed Methods and Advancing Scientific Practices*, IN Hesse-Biber, S, N, & Johnson, R, B, (Eds,), (2015), *The Oxford handbook of multimethod and mixed methods research inquiry*, New York, Oxford University Press.
96. Edmonds, W, A, & Kennedy, T, D, (2017), *An Applied Reference Guide to Research Designs, Quantitative, Qualitative, and Mixed Methods*, London, Sage.
97. Fock, V, A, (1959), *The theory of space, time and gravitation*, California, Pergamon Press.
98. Ghazaleh, P, (2011), *Introduction, Pious Foundations, From Here to Eternity?*, In Ghazaleh, P, (2011), *Held in Trust, Waqf in the Islamic World, Cairo and New York*, The American University in Cairo Press.
99. Gil, M. (1998), "The earliest waqf foundations", *Journal of Near Eastern Studies*, 57(2).
100. Isin, E,F, (2011), *Ottoman waqfs as acts of citizenship*, In, Gazaleh, P, (Ed), (2011), *Held in Trust, Waqf in the Islamic World, Cairo and New York*, The American University in Cairo Press.
101. Knysh, A, (2010), *Sufism*, In Irwin, R, (Ed), (2010), *The New Cambridge History of Islam, Volume 4, Islamic Cultures and Societies to the End of the Eighteenth Century*, Cambridge, Cambridge University Press.
102. Krippendorff, K, (2004), *Content analysis, An introduction to its methodology*, London, Sage.
103. Kuran, T, (2001), "The Provision of Public Goods under Islamic Law, Origins, Impact, and Limitations of the Waqf System", *Law & Society Review*, 35(4).
104. Leeuwen, R, V, (1999), *Waqf and Urban Structures, The case of Ottoman Damascus*, London, Brill.
105. Lev, Y, (2005), *Charity, Endowments, and Charitable Institutions in Medieval Islam*, Gainseville, University Press of Florida.

۶۲. فرای، ریچارد (۱۳۴۸)، **بخارا، دستاورد قرون وسطی**، ترجمه محمود محمودی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۶۳. فرای، ریچارد (۱۳۵۸)، **عصر زرین فرهنگ ایران**، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات سروش، تهران.
۶۴. فروزانی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۵)، **تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان**، انتشارات سمت، تهران.
۶۵. فقیهی، علی اصغر (۱۳۷۸)، **تاریخ آل بویه**، انتشارات سمت، تهران.
۶۶. کاتب، احمد بن حسین بن علی (۱۳۵۷)، **تاریخ جدید یزد**، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۶۷. کرمر، جونل. ل (۱۳۷۵)، **احیای فرهنگی در عهد آل بویه، انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی**، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۶۸. کیانی میرا، محسن (۱۳۶۹)، **تاریخ خانقاه در ایران**، کتابخانه طهوری، تهران.
۶۹. کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۶)، **کاروانسراها، در معماری ایران، دوره اسلامی**، ارشاد اسلامی و جهاد کشاورزی، تهران.
۷۰. لمتون، آن (۱۳۷۲)، **تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران**، ترجمه یعقوب آژند، نشر نی، تهران.
۷۱. مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۲)، «منازعات خنفتیان و شافعیان در دوره میانی تاریخ ایران»، ترجمه رسول جعفریان، **فصلنامه وقف میراث جاویدان**، سال اول، شماره سوم.
۷۲. متز، آدام (۱۳۶۲ الف)، **تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا رنسانس اسلامی**، جلد اول، ترجمه علیرضا ذکاتوی قراقرلو، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۷۳. متز، آدام (۱۳۶۲ ب)، **تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا رنسانس اسلامی**، جلد دوم، ترجمه علیرضا ذکاتوی قراقرلو، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۷۴. محدثی، جواد (۱۳۹۲)، **درس‌هایی از نهج البلاغه**، دفتر دوم، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۷۵. محمودی، مریم (۱۳۹۳)، «کارکردهای حکمی-اخلاقی کتاب التوسل الی الترسل»، **پژوهشنامه ادبیات تعلیمی**، سال ۶، شماره ۲۲.
۷۶. مردیها، مرتضی (۱۳۹۵)، «معنا و مبنای تبیین در علوم اجتماعی»، **فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی**، دوره ۸، شماره ۴.
۷۷. مطهری، حمیدرضا و اسماعیل زاده، صدرالله (۱۳۹۴)، «کارگزاران شیعه امامیه در دستگاه حکومتی سلجوقیان»، **فصلنامه سخن تاریخ**، سال ۹، شماره ۲۱.
۷۸. مظاهری، علی اکبر (۱۳۴۸)، **زندگی مسلمانان در قرون وسطی**، ترجمه مرتضی راوندی، نشر سپهر، تهران.
۷۹. ملازاده، کاظم و محمدی، مریم (۱۳۷۹)، **مساجد**، سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، تهران.
۸۰. ملازاده، کاظم و محمدی، مریم (۱۳۸۱)، **مدارس و بناهای مذهبی، تکیه، حسینیه، خانقاه، قدمگاه، مدرسه، مصلی**، سوره مهر، تهران.
۸۱. منز، بناتریس فوربز (۱۳۹۲)، **قدرت، سیاست و مذهب در عصر تیموریان**، ترجمه حسن اسدی، انتشارات مولی، تهران.
۸۲. مونس، حسین (۱۳۹۵)، **تاریخ قریش**، ترجمه حمیدرضا شیخی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۸۳. نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر (۱۳۱۷)، **تاریخ بخارا**، ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی، نشر کتابفروشی سنائی، تهران.
۸۴. نظری ارشد، رضا؛ طاووسی، محمود؛ بیانی، سوسن و نیستانی، جواد (۱۳۹۳)، «پژوهشی باستان‌شناختی در بنای آرامگاهی برج قربان همدان»، **مطالعات باستان‌شناسی**، دوره ۶، شماره ۹.

106. Lev, Y. (2009), Charity and Gift Giving in Medieval Islam, In Frenkel, M, & Lev, Y, (Eds.) (2009), Charity and giving in monotheistic religions, Berlin and NY, Walter de Gruyter.
107. Martin, J, L, & Gregg, F, (2015), Was Bourdieu a field theorist? IN Hilgers, M, & Mangez, E, (2015), Bourdieu's theory of social fields, Concepts and applications, London And New York, Routledge.
108. Neuman, L,W, (2014), Social research methods, Qualitative and quantitative approaches, London, Pearson press.
109. Schlick, M, (2005), Space and time in contemporary physics, an introduction to the theory of relativity and gravitation, Courier Corporation, Dover Publications.
110. Shatzmiller, M. (2001), "Islamic institutions and property rights, The case of the 'public good' Waqf", Journal of the Economic and Social History of the Orient, 44(1).
111. Straumann, N, (2017), Hermann Weyl's Space-Time Geometry and Its Impact on Theories of Fundamental Interactions, IN Shyam Wuppuluri & Giancarlo Ghirardi (Eds), (2017), "Space, Time and the Limits of Human Understanding", Springer International Publishing, Switzerland.
112. Watson, A,M, (2010), Rural life and economy until 1800, IN Irwin, R, (Ed), (2010), The New Cambridge History of Islam, Volume 4, Islamic Cultures and Societies to the End of the Eighteenth Century, Cambridge, Cambridge University Press.
113. Yildirim, R, (2011), Dervishes, Waqfs and Conquest, Notes on Early Ottoman Expansion in Thrace, In Ghazaleh, P, (2011), Held in Trust, Waqf in the Islamic World, Cairo and New York, The American University in Cairo Press.

Archive

An Exploratory Explanation from Functionality of Waqf in the Islamic Period Cities (Case Study : the Iranian City in the Early and Middle Centuries) *

Mohsen Askari

Department of Urbanism, Shahr-e-Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Hassan Ahmadi ** (Corresponding Author)

Assistant Prof., in Urbanism, Faculty of Architecture and Art, Guilan University, Rasht, Iran

** hamed@guilan.ac.ir

Nasser Barati

Associate Prof., in Urbanism, Faculty of Architecture and Urbanism, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

Abstract:

Relations of Waqf as a venerated tradition with the city, in spite of various functions in "the Islamic period cities", have not been studied appropriately as a serious topic among domestic scholars. The aim of this research is to present an explanation into why and how shaping and performance of Waqf was built in the early and the Middle centuries history of Iran until the Safavid period. In this study we are trying to find an appropriately theoretical model for linking entity of waqf and city and also we are searching for forces and motions of waqf, prevailing sketches of Awqaf and various functions and aspects of waqf. In this study, we have used a four layer inductive theoretical model based on mixed research approach and Exploratory method. Historical research strategy and content analysis technique were main guidance of research. The results indicated that the Waqf has been shaped in a historical context and has been influenced by various religious, cultural, political, social, economical and physical factors. In the Exploratory model, we first introduced Waqf as a dual nature with dependent and independent character and then the model is relied on the three-layer of 'macro', 'meso', 'micro' level which was also based on theoretical framework of research. Moreover, The Exploratory model has been enhanced by The 'Einstein General Theory of Relativity' Assumptions and 'Pierre Bourdieu' thoughts. Meanwhile, the Dependent nature of Waqf was effected by three main domains including 'cultural-religious elements' of the Islamic period cities, 'motivator factors' and 'indigenous changes'. Also, independent nature of Waqf was based on a 'field' which is constituted of various factors and agents in a 'gravitational Orbit' of Waqf. In mentioned centuries, the most emphasis of Awqaf were on buliding the mosques and villages were prevailing waqf endowments. Multiple Dimensions of Waqf have been focused on religious-schools, economical and physical, respectively. The 'religious-schools functions' were also most notable functions of Waqf in the old Iranian city. With internal perspective, 'integrating function' of Waqf had the greatest influence for synerging on shaping factors of the Waqf. Moreover, the function of Waqf for the state was 'political' and function for the city and its hinterland was 'sustainability'. Thus, new dimension of this powerful religious institution is identified and its place in the history of the old Iranian-islamic city is being precise and the research gap is filled.

Keywords: Waqf, The Iranian City, Exploratory Explanation, Functionality.

*This paper is derived from the Ph.D. Dissertation by education & research oriented of first author in Urbanism entitled "Explaining Functionality of Waqf in Triple Iranian City", which is running under the supervision of Dr. Hassan Ahmadi and the advising of Dr. Nasser Barati in the Department of Urbanism, Shahr-e-Qods Branch, Islamic Azad University.